از شر شیطان رانده شده به خدا پناه می برم

بنام خدا بخشنده مهربان

پیروی از خدا و
پیروی از رسول

سالهاست که مساله اسلام و مسلمانان و عقب ماندگیهای آنان ، ذهن خیلی ها را در تمام دنیا و بخصوص ایران به خود مشغول کرده است. چرا مسلمانان چنین روز و وضعی دارند ، حتی به نوشته های کتاب مقدس خود عمل نمی کنند. چه چیزی این معزل را بوجود آورده است؟ چه چیزی آنها را به حیطه انحطاط و تزلزل کشانده است؟ آیا این قوانین و دستورات که در حال حاضر به آن معتقدند مایه محدودیت و عقب ماندگی آنها نیست؟

تمام بدبختی های مسلمانها از تبعیت کتابهای حدیث و سنت است . حدیث و سنت است که تمام مسلمین را به بت پرستی کشانده است . حدیث و سنت مثل زنجیری مغز و قلب مسلمانان را تسخیر کرده است و چنان آنها را به ورطه انحطاط کشانده است که در زمان ما مسلمان بودن یعنی عقب ماندگی یعنی بت پرستی یعنی تبعیت از خرافات و تبعیت از شیطان.

آیه ۱۶۸و۱۶۹و۱۷۰و۱۷۱ سوره بقره:

۱۶۸: ای مردم، از محصولات زمین، تمام چیزهایی را که خوب و حلال هستند بخورید و از گام های شیطان پیروی نکنید؛ او سرسخت ترین دشمن شماست.
۱۶۹: او فقط شما را به کارهای پلید و نادرست امر می کند و اینکه شما درباره خدا چیزی بگویید که نمی دانید.
۱۷۰: هنگامی که به آنها گفته شود، "از آنچه خدا در این نازل کرده است پیروی کنید،" می گویند، "ما فقط از آنچه از اعمال والدین خود یافتیم، پیروی می کنیم." اگر والدین آنها نفهمیده بودند و هدایت نشده بودند

۱۷۱ : مثال چنین کافرانی، مانند طوطی هایی است که هر صدا و آوایی را که می شنوند، بدون آنکه بفهمند، تکرار می کنند. کر و گنگ و کور؛ آنها نمی توانند بفهمند.

این همان وعده خداست که اگر به گفته شیطان حلال را بر خود حرام کنیم در آن صورت شیطان موفق شده است که ما را به فقر و فحشا و عقب ماندگی بکشاند و این برای مسلمین حاضر پیش آمده است . یکی از راههایی که شیطان میخواهد خداپرستان را به فساد و بدبختی بکشاند، پیروی از منبع دیگری به عنوان حدیث و سنت در کنار قرآن است . قرآن کتاب هدایت است و کتاب همه انسانهاست .

در اینجا ۳۵ دلیل جهت ابطال پیروی از غیر قرآن میاورم . دلایل زیر در گفتمانهای مختلف بحث شده است و با کاربران مختلف صورت گرفته است.

انتظار دارم کسانی در بحث شرکت کنند که به قرآن به عنوان کتاب آسمانی ایمان داشته باشند و از کسانی که خدا و یا قرآن را به عنوان کتاب آسمانی قبول ندارند خواهشمندم که بحث را در یک تاپیک دیگر دنبال کنند.

دلیل ۱--- قرآن همان منبع دینی است

که جهت نذارت و بشارت آمده است و دنباله تورات و انجیل و سایر کتب آسمانی است . اگر ما فقط قرآن را منبع هدایت خود قرار دهیم در این صورت از دست خرافات سنت و حدیث خلاص میشویم و با سایر جوامع هماهنگ میشویم. ممکن است این مساله برای خیلی ها قابل هضم نباشد وبگویند که پس این همه حدیث خوب چی میشود. باید عرض کنم که این حرف همان وسوسه شیطان در جهت انحراف دین هدایت کننده بشر است. مسلمانان احادیث را منبع هدایت و قانون خود قرار داده اند و این دقیقا همان چیزی است که شیطان میخواهد.

دلیل ۲ --- قرآن به مسلمانان دستور میدهد

که فقط از قرآن پیروی کنند و هیچ حدیثی به جز آیات خدا را قبول نکنند.

انعام/۱۱۴: آیا غیر از خدا، منبع دیگری را به عنوان قانون، مرجع قرار دهم، در حالی که او این کتاب را با تمام جزئیاتی مفصل برای شما نازل کرده است کسانی که کتاب آسمانی دریافت کردند، تشخیص می دهند که این از جانب پروردگارت، با حقیقت نازل شده است. هیچ شکی به خود راه نده.

و همچنین نگاه کنید به : جاثیه /۶

دلیل ۳--- تنها سنت ذکر شده در قرآن سنت الله است

در هیچ جای قرآن از سنت و حدیث محمد و یا اهل بیت سخنی نرفته است و تنها سنت ذکر شده در قرآن همان سنةُ الله است. شاید همین یک دلیل برای بطلان حدیث و سنت کافی باشد. در یک کتاب ۶۰۰ صفحه ای که از طرف خدا نازل شده است ، حتی یک بار نگفته است "حدیث و سنت محمد".

سنةُ الله فی الذین خلوا من قبل و لن تجد لسنةُ الله تبدیلا احزاب/۶
و فاطر/۴۳ و فتح/۲۳

در قرآن فقط دو آیه است که شرح می دهد پیغمبر محمد "بشری بیش از شما نیست." آیا این تصادفی است که هر دو مورد در پایان آیه شرک را منع می کند

آیه اول : کهف / ۱۰۹ تا ۱۱۰

لمات رب و لو جئنا بمثله مددا (۱۰۹) قل انما أنا بشر مثلکم یوحی ال أنما الهکم اله واحد فمن کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا و لا یشرک بعباده ربه أحدا (۱۱۰)

ترجمه :

بگو(محمد)، "اگر اقیانوس برای کلمات پروردگار من مرکب می بود، اقیانوس تمام می شد، قبل از اینکه کلمات پروردگار من به اتمام رسد، حتی اگر مرکب را دو چندان کنیم."۱۱۰- بگو (محمد)، "من هم مانند شما بشری بیشترنیستم، به من وحی شده که خدای شما خدای واحد است. کسانیکه به دیدار پروردگار خود امیدوار باشند، باید پرهیزکاری کنند و هرگز معبودی در کنار پروردگار خود نگذارد."

در این آیه حرف از این میزند که کلمات خدا هیچوقت به پایان نمیرسد و اگر میخواست کتابی کاملتر به شما میداد و از طرف دیگر میگوید که محمد هم بشری بمانند شماست و این خود همه جیز را ثابت میکند . ثابت میکند که کلمات خدا همین قرآن است و بس.

آیه دوم : فصلت / ۶
(قل انما أنا بشر مثلکم یوحی الی أنما الهکم اله واحد فاستقیموا الیه و استغفروه و ویل للمشرکین)

بگو (محمد)، "من بشری بیش از شما نیستم، که به من وحی شده که خدای شما خدای واحد است. باید فقط به او اخلاص بورزید و از او آمرزش بخواهید. وای بر مشرکین.

مؤمنان واقعی به گفته پروردگارشان ایمان دارند اینکه قرآن کامل، بی عیب و مفصل با جزئیات است وباید فقط آن را منشاء هدایت دینی قرار دهند. فقط مشرکین غیر از قرآن را می جویند. پیروی از "حدیث و سنت" ساختن بت از پیغمبر محمد است برخلاف خواسته اش.

دلیل ۴---وظیفه محمد تنها تبلیغ رسالت است و لا غیر

ماعلی الرسول الا البلاغ و الله یعلم ماتبدون و ما تکتمون مائده/۹۹و۹۲ ونحل/۳۵و۸۲ ونور/۵۴ و شوری/۴۸

پیروی از محمد و اسوه بودن محمد :

عده ای میگویند که سنت و احادیث محمد جزو منابع الهی است زیرا خدا خودش گفته محمد اسوه حسنه است . باید عرض کنم که این افراد نمیفهمند که محمد فقط قرآن را آورده و در این مورد اسوه حسنه است (محمدی که در قرآن است اسوه است نه احادیث که اکثرا دروغ است)

لقد کان لکم فی رسول الله أسوه حسنه لمن کان یرجوا الله و الیوم الَآخر و ذکر الله کثیرا (۲۱)

ترجمه : ۲۱ - رسول خدا سرمشق خوبی است برای آن عده از شما که در جستجوی خدا و روز بازپسین هستند و مدام خدا را یاد می کنند.(۳۳:۲۱)

محمد برای کسانی که در جستجوی خدا و روز بازپسین هستند و کسانی که خدا را یاد میکنند الگو است.

این قرآن ذکر است برای مومنان. و این قرآن بهتـرین و تنهـا منشـا بـرای جسـتجو و شناخت خداست. اما مسلمانان محمد را در (طریقه دستشویی رفتن و طریقه راه رفتن و ...) هم الگو میدانند.در حالی که خدا میگوید محمد هم بشری مثل شماست و هربشـری راه میرود.جالب این است که ابراهیم نیز لغت به لغت با چنین کلمـاتی در قـرآن شـرح داده شده است.

قد کانت لکم أسوه حسنه فی ابراهیم و الذین معه (۵) لقد کان لکم فیهم أسـوه حسـنه لمن کان یرجوا الله و الیوم الآخر و من یتول فان الله هو الغنی الحمید (۶)

ترجمه : (مثال خوبی از ابراهیم و کسانی که با او بودند برای شما زده شـده اسـت....... آنها سرمشـق خـوبی هسـتند بـرای کسـانیکه در جسـتجوی خـدا و روز آخـر مـی اشند.(۶:۶۰))

خوب حالا اگر کسی توانست فقط یک حدیث از ابراهیم ذکر کنـد مسـاله حـل اسـت. مطمئنا کسی نمیتواند . خدا خودش میفرماید که ابراهیم برای ما اسوه حسنه است ولـی خودش میدانست که ابراهیم ۵۰۰۰ سال پیش زندگی میکرد و کتاب حدیثی از او بجـای نمانده است . پس ما از چه چیز ابراهیم پیروی کنیم. جواب این است که ابراهیم همـانی است که خدا در قرآن ذکر کرده است . خدا میگوید ابراهیم مسلمان بود مشـرک نبـود نماز به پا میداشت زکات میداد و .... که در قرآن ذکر کرده است . نماز و روزه و زکـات و حج از ابراهیم به ما رسیده است. و ما همه در این مورد تابع ابراهیم هستیم در حقیقـت اسوه بودن ابراهیم و یا محمد یعنی پیروی از گفته های قرآن . (زیـرا قـرآن اسـت کـه سرگذشت درست و بدون انحراف آنها را ذکر کرده است.)

آیا باز هم حرف خود را تکرار میکنی ؟؟؟؟

دلیل ۵--- در کل قرآن گفته شده (اطاعت از رسول) نه (اطاعت از محمد)

این یعنی اطاعت از محمد از جنبه رسالتش درست است نه از جوانب دیگر. جنبه رسالت محمد هم همان کتاب آسمانی قرآن است. سایر موارد مربوط به زندگی شخصی محمد است و اطاعت از او به عنوان مصدر هدایت یک نوع بت پرستی است. البته اگر چنین حرفی را به یک مسلمان بزنید مثل این است که به یک مسیحی بگویید عیسی پسر خدا نیست. اطاعت از محمد یعنی اطاعت از محمدی که توی قرآن است نه احادیث که اکثرا دروغ است.این یعنی اطاعت از همان قرآن.

مگر نمیبینید که اکثر آیات قرآن با قل (بگو) شروع میشود. قرآن بوسیله محمد ابلاغ میشد و اطاعت از محمد یعنی اطاعت از گفته های قرآن.

دلیل ۶--- از خود محمد حدیث نقل شده است که دستور داده بود هیچ حدیثی را ننویسند

و این امر تا اواخر قرن دوم هجری رعایت میشد . پیشرفتهای فکری و علمی مسلمین هم در آن اوایل مربوط به عدم محدودیت به سنت خاصی بود. چرا محمد دستور به عدم تدوین حدیث میدهد.؟ اگر دستور نداده است پس چرا خود احادیث (مساله به این مهمی) را ننوشت؟؟ پس آنهایی که قبل از قرن دو م هجری میزیستند (قبل از تدوین احادیث)گمراهند زیرا در آنزمان این کتابهای حدیث موجود نبود.؟؟؟!!!!

دلیل ۷--- خدا به پیغمبر دستور میدهد

که به ما بگوید محمد در آنچه بر او نازل میشود اشتباه نمیکند ولی در احادیث و اعمال شخصی خود ممکن است دچار اشتباه شود.

قل انی ضللت فانها اضل علی نفسی و ان اهتدیت فیما یوحی الی ربی انه سمیع قریب سبا/۵۰

ترجمه: بگو، "اگر من گمراه شوم، در اثر کوتاهی خودم گمراه می شوم. و اگر هدایت شدم، بخاطر الهام پروردگار من است. او شنواست، نزدیک.

خدا خودش میدانست که مسلمانان در چنین ورطه خطرناکی خواهند افتاد به همین خاطر چندین اشتباه از محمد را در قرآن ذکر کرده است .مثل اینکه اینجوری میخواهد به ما بگوید که پیروی فقط از قرآن است و در سایر موارد (حدیث – سنت – سیره –) هیچگونه پیرویی لازم نیست.

از جمله در آیات زیر سهویات محمد ذکر شده است:

انفال/۶۸ توبه/۴۳ توبه/۱۱۳ توبه/۱۱۴ احزاب/۳۷ تحریم/۱ عبس /۱-۱۱

دلیل ۸ ---- احتیاجی به تفصیلات دیگر نیست و کامل است انعام/۱۱۵

از زمانی که خدا مارا آفرید از طریق پیامبران راه راست را به ما نشان داده است.و زمانی که جامعه بشریت به حدی رسید که توانستند بنویسند, خدای مهربان کتابی را همراه پیامبران نازل میکرد.تورات را همراه موسی و انجیل را همراه عیسی و در نهایت قرآن را همراه محمد فرستاد.سنت خدا بر این قرار گرفت که وحی آسمانی مکتوب باشد تا تمام جامعه بشریت بتوانند از آن استفاده کنند.اما همیشه انسانها از این وحی سر باز زده اند

و برای خدا شریک قائل شده اند. شرک به خدا همیشه در قالبهای جهالت و یا تحت سلطه بودن و یا فریب خوردگی و عقب ماندگی و... خود را نشان میدهد. شیطان همیشه از دو طریق قربانیهای خود را به شرک متمایل میکند. یکی از طریق عبادت و دیگری از طریق منبع دین.قربانیهای شیطان با خواندن موجودات ناتوانی همانند عیسی- محمد – مریم – علی – فاطمه – غوث و ... شریک برای خدا قائل شدند.درحالیکه تنها گناه غیر قابل بخشش شرک است , اما انسانها براحتی مرتکب شرک میشوند.این در حالی است که خدا از هرکسی به ما نزدیکتر است و همه چیز متعلق به اوست. با دستور صریح قرآن , خواندن غیر خدا شرک است و این آزمایش الهی برای ما در این دنیا طرح شده است.دومین راه که شیطان موفق به فریب انسانها شد منبع دین است. درحالیکه کتاب آسمانی منبع دین ماست و غیر از آن منبع دیگری قرار دادن شرک است . حدیث و سنت منبع دیگری در کنار قرآن است که مسلمانان با قراردادن آن در کنار قرآن برای خدا شریک قائل شدند و احبار و رهبان (کتابهای حدیث و ملاها) را به جای خدای خود برگزیدند. هر دو راه صراحتا در قرآن شرک محسوب شده اند. اما انسانها فراموشکارند و در طول تاریخ عده ای از مسلمانان با خواندن غیر خدا در ادعیه و نماز و کارهای روزمره شان برای خدا شریک قائل شدند (همانند اکثریت شیعه و سنی).و عده ای دیگر فکر کردند که از نظر عبادت شرک برای خدا قائل نمیشوند اما آنان در منبع دین برای خدا شرک قائل شدند (همانند وهابیان و ...) و با قراردادن منابعی مانند سنت و حدیث در کنار قرآن دوباره به دام شرک افتادند و با اجرای اعمالی از سنت همانند (سنگسار – کشتن مرتد – خواندن محمد در نماز و ....) دوباره به اوج گمراهی دست پیدا کردند و گروههای شیعه و سنی هم با قراردادن کتابهای حدیث و ملاها در کنار کتاب خدا برای خدا شریک قائل شدند.شیعه و سنی و مسیحی و یهودی صراحتا اعلام میدارند که مسلمان نیستند و هرکدام تابع فرقه و کتابهای خود خود هستند و این در حالی است که هر چهار گروه در اصل مسلمان و تابع پیامبر ابراهیم بوده اند. بحث ما راجع به دومین مشکل است.هر آنچه در کتاب آسمانی برای بشریت آمده است کافی است و غیر از آن محدودیت است.

دلیل ۹---- قران آسان است و چیزی که آسان است احتیاج به پیوست ندارد

الر تلک ایات الکتاب المبین   یوسف /۱

فانما یسرناه بلسانک لعلهم یتذکرون دخان /۵۸ و هود /۱ و انعام /۱۱۴

[۵۴:۱۷] ولقد یسرنا القرءان للذکر فهل من مدکر

ما قرآن را برای یادگیری آسان کردیم. آیا هیچ یک از شما می خواهد یاد بگیرد؟

دلیل ۱۰ ---- خدا احتیاج ندارد چیزی به کتابش اضافه شود

خدا از طریق قرآن به ما یاد میدهد که کلماتش تمام نمیشود و اگر او میخواست میتوانست کتابی کاملتر و جزئی تر به ما بدهد و ادامه نزول مطالب آسمانی را به قال قال محول نمیکرد.

دلیل ۱۱ ---- خدا از موءمنان حقیقی میخواهد که با پیروی از کلام رهبران دینی به جای کلام خدا در تله بت پرستی نیفتند این نشان میدهد که منبع بت پرستی پیروی از کلام رهبران دینی به جای قرآن است.

توبه/۳۱

آنها به جای خدا، رهبران مذهبی و علمای خود را ارباب قرار داده اند. عده ای دیگر مسیح، پسر مریم را بعنوان پروردگار پرستیدند. به همه آنها امر شده بود که فقط یک خدا را پرستش کنند. غیر از او خدای نیست. تجلیل او را، بسیار بالاتر از آنکه شریکی داشته باشد.

دلیل ۱۲--- موءمنان حقیقی میدانند که وقتی خدا چیزی میگویند منظوری دارند:

و چیزی که نمیگویند هم به منظوری است . در این صورت هر چیزی که در قرآن ذکر شده برای هدایت کافی است . مگر هدف خدا از فرستادن پیامبران هدایت و تنذیر و تبشیر نیست پس دیگر چرا خود را به مصادر دیگر محدود کنیم . هدف از ارسال رسول یکتا پرستی است یکتا پرستی در همه جهات : مصدر دین – عبادت – نیایش

دلیل ۱۳ ---- خدا از موءمنان حقیق میخواهد که در هر مورد اطلاعاتی میبینند یا میشنوند تحقیق کنند

ولی مسلمانهای فعلی به چیزی باور دارند که قانون احتمالات هم درستی آن را نمیرساند

تکرار تاریخ :
کتاب تورات و انجیل هم فرستاده خدایند و اما تورات فعلی بخشهای مختلف مثل میشناه (mishnahسیره موسی(و جماره (gemarah احادیث موسی(و ... را دارا میباشد آیا این همان تکرار تاریخ نیست؟؟! متاسفانه تکرار تاریخ است.

یهودیها میشناه را بر تورات ترجیح میدهند و مسلمانان هم حدیث را بر قرآن ترجیح میدهند و سیره و سنت و احادیث را در کنار کتاب خدا قرار داده اند. یهودیها میگویند تورات بدون میشناه معنی ندارد مسلمانان هم میگویند قرآن بدون حدیث معنی ندارد. تاکتیک هردو گروه یکی است. زیرا منشا آن کسی نیست جز شیطان ملعون.

دلیل ۱۴---- سنت و حدیث در کنار قرآن جزو وسوسه های شیطان است .

عربها اگر از سنت و حدیث پیروی میکنند به این دلیل است که این آئین و سنت دیرینه خودشان است ولی پیروی ایرانیان مسلمان و سایر ملل مسلمان از سنت و حدیث جزو وسوسه های شیطان است . شیطان به این طریق این ملتها را از پیشرفت باز میدارد و فقر و بیچارگی و مریضی روانی را برای این ملتها به ارمغان آورده است و آنها را از قرآن و خدا دور میکند.

کدام آیه قرآن مارا به پیروی از کتابهای حدیث امر میکند ؟ کدام آیه ؟؟
واقعا ما چقدر از احادیث کتابهای معتبر خود (که ندیده ایم) را میشناسیم؟؟
آیا قرآن فقط برای رهبران مذهبی نازل شده است ؟؟

دلیل ۱۵- اثبات تالیف الهی:

احادیث اکثرا مشکوکند. حدیث محکم خیلی کم است . کسی که کتب حدیث را نگاه کرده باشد اینها را میفهمد . دوستان جهت آزمایش به منابع اصلی حدیث نگاه کنند . اختلاف توی احادیث خیلی زیاد است . اکثر حدیثها ضدش هم موجود است . چرا اکثر حدیثها ضدش هم موجود است .آیا محمد ، نعوذ بالله ضد و نقیض حرف میزده است؟!!!

با توجه به ایه زیر حدیث جزو منبع الهی نیست .

افلا یتدبرون القران و لو کان من عند غیرالله لوجدوا فیه اختلافا کثیرا ترجمه : [۴:۸۲]

چرا قرآن را با دقت مطالعه نمی کنند؟ اگر از جانب غیر خدا بود، در آن ضد و نقیضهای بسیار پیدا می کردند.

دلیل ۱۶- معیار مهم آیات الهی

بعضی از مردم ادعا می کنند که ٍ حدیث و سنت"آیات الهی هستند. واضح است، آنان آگاه نیستند که معیار آیات الهی حفاظت کامل آن است. چون حدیث و سنت پیغمبر زیاد تحریف شده اند، هرگز نمی تواند معیار آیات الهی شود. این یک واقعیت تصدیق شده است که اکثر حدیث ها دروغ هایی ساختگی هستند.

انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون (۱۵:۹)
ما پیام را نازل کردیم و قطعاً ، ما آن را حفظ خواهیم کرد. (۱۵:۹)

جاءهم و انه لکتاب عزیز (۴۱) لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید (۴۲:۴۱)

دلیل ۱۷- محمد نه توضیح می دهد، نه تفسیر می کند و نه قرآن را پیش بینی می کند

فقط قرآن را تحویل می دهد و پیروی می کند. اما اکثر مسلمانان امروزی ادعا می کنند که حدیث و سنت برای توضیح دادن قرآن لازم هستند. هر چند قرآن تعلیم می دهد که معلم قرآن خداست؛ که اوست کسی که قرآن را در دل مؤمنان قرار می دهد صرف نظر از زبان مادریشان؛ و محمد قرآن را توضیح نخواهد داد. آیه پایین را مشاهده کنید:

فصلت / ۴۴

[۴۱:۴۴] ولو جعلنه قرءانا اعجمیا لقالوا لولا فصلت ءایته ءاعجمی وعربی قل هو للذین ءامنوا هدی وشفاء والذین لا یؤمنون فی ءاذانهم وقر وهو علیهم عمی اولئک ینادون من مکان بعید

اگر قرآن را به زبانی غیر از عربی قرار می دادیم می گفتند، "چرا به آن زبان نازل شد "چه آن به زبان عربی باشد یا غیر عربی، بگو، "برای کسانیکه باور دارند، هدایت و شفا است. و کسانی که باور ندارند، نسبت به آن کر و کور خواهند بود، چنانچه گویی از جای بسیار دوری آنها را خطاب می کنند.

قیامت /۱۶ تا ۱۹

لا تحرک به لسانک لتعجل به (۱۶) ان علینا جمعه و قرآنه (۱۷) فاذا قرأناه فاتبع قرآنه (۱۸) ثم ان علینا بیانه (۱۹) اما ترجمه آن :

۱۶ – با شتاب زبان (محمد) به بیان آن مگشای. ۱۷ - این ما هستیم که آن را بصورت قرآن جمع آوری خواهیم کرد. ۱۸ - و چون آن را بخوانیم، تو از چنین قرآنی پیروی کن. ۱۹ - سپس این ما هستیم که آن را شرح خواهیم داد.

در همین آیه آخری فرموده : (ان علینا بیانه) یعنی بیان آن برعهده ماست و دیگر بیش از این چه میتوان گفت به کسانی که میگویند حدیث برای تفسیر قرآن لازم است . قرآن خود مفسر خود است.

دلیل ۱۸- آیا محمد از ایه (مشرقین و مغربین) کرویت زمین را میفهمید؟

مسلما نه و محمد هم مثل بقیه افراد زمان خویش ، زمین را مسطح فرض میکرد و این البته عیب نیست بلکه این جزو مقتضای زمان است و فهم قرآن هم برای محمد نسبی بود و این همان معجزه شگفت انگیز قرآن است . اطاعت از محمد یعنی اطاعت از قرآن یعنی عمل به آن .

دلیل ۱۹ -یک خدا / یک منشاء

خالق مطلق فرمان می دهد که قرآن، اختصاصاٍ قرآن، باید تنها منشاء تعلیمات دینی باشد. علاوه بر آن، به ما فرمان داده می شودکه پذیرفتن هر منشاء دیگری برای هدایت دینی مساوی این است که خدای دیگری در کنار خدا گذاریم و منشا تمام بت پرستیها و بدبختیها هم همین است.

دلیل ۲۰- فرقه های مذهبی محکوم اند

خدای مهربان در قرآن لعنت بر کسانی میفرستد که دین را فرقه فرقه کرده اند و بر علمایی که حرف غیر خدا را به خدا نسبت می دهند بر این اساس فرقه های مذهبی محکوم اند

[۶:۱۵۹] ان الذین فرقوا دینهم وکانوا شیعا لست منهم فی شیء انما امرهم الـی الله ثـم ینبئهم بما کانوا یفعلون

کسانی که خود را به فرقه های مختلف تقسیم می کنند، با تو نیستند. قضاوت آنهـا بـا خداست، سپس او آنها را از آنچه کرده بودند، مطلع خواهد کرد.

ولی در حال حاضر مسلمانهای فعلی به فرقه های مختلفی تقسیم شده اند و هر کس هم به فرقه خود افتخار میکند و به دانسته های خود مینازد . و تمام جر و بحث آنها راجع به مسائل تاریخی است و اختلافات تاریخی را سـر لوحـه مـذاهب خـود قـرار داده انـد . درحقیقت اینها دین ندارند بلکه مذهب دارند. آنچیزی که خدا برای ما فرسـتاده اسـت دین است نه مذهب. هر فرقه ای بر فرقه دیگر افتخار میکند . و این درحالی اسـت کـه خدا یک دین را برای ما فرستاده است نه چند دین.

[,۳۲۳۰:۳۱] منیبین الیه واتقوه واقیموا الصلوة ولا تکونوا من المشرکین. من الذین فرقوا دینهم وکانوا شیعا کل حزب بما لدیهم فرحون

تسلیم او باشید، هیبت و حرمت او را ارج نهید، نمازها (ارتباط با خدا) را به جـا آوریـد و- هر کاری می کنید- هرگز به دام شرک و بت پرستی نیفتید. (به بت پرسـتی آلـوده نشوید،) مانند کسانی که دین خود را به فرقه های مختلف تقسیم می کنند؛ هر گروهـی به آنچه دارد، خوشنود است.

دلیل ۲۱ – پیام از پیام آور مهمتر است.

ارزش و احترامی که ما به پیام آوران میگذاریم بخاطر پیام آنهاست

سوره توبه :

[۹:۱] براءهٔ من الله ورسوله الی الذین عهدتم من المشرکین

در این اتمام حجتی است از جانب خدا و رسولش به مشرکانی که با شما پیمان می بندند. سوره توبه برائت است با مشرکان . ولی میبینیم که خدا میگوید برائت از طرف خدا و رسولش. در عین حال میدانیم که سوره توبه از طرف خداست ولی در عین حال خدا میگوید برائت از طرف خداو رسولش . نکته ای که اینجا روشن است این است که پیام (برائت)از طرف خداست ولی خدا پیام را به خدا و رسول (هردو)نسبت میدهد. زیرا که پیامرسان رسول است و این به آن معنا نیست که رسول خود سوره توبه را ساخته است. بلکه چون سوره از طرف رسول به مردم میرسد پس رسول مسئولیت گفته های رسالت خود (تنها ابلاغ قرآن) را بر عهده باید بگیرد و این هر گونه شک و شبهه ای را در وظیفه رسول (تنها ابلاغ قرآن) باقی نمیگذارد. و از این نظر احترام رسول (احترام معقولانه از جنبه رسالت رسول) به معنای احترام به رسالت است.

دلیل ۲۲- تعیین درستی و نادرستی حدیث کاری بس دشوار است

که معیاری جز تعبیرات شخصی ندارد. بیشتر این احادیث سینه به سینه دهن بدهن نقل شده و چه بسا امکان دارد به اصطلاح یک کلاغ چهل کلاغ شده باشد.

- اکثر احادیث تحت تاثیر مسائل کلامی (معتزله – اشاعره - شیعه) قرار گرفته اند.
- اکثر احادیث تحت تاثیر مسائل سیاسی و حکومتی (بنی عباس – علویان – امویان و ...) قرار گرفته اند.
- اکثر احادیث محدود به علم ارسطویی هستند.

دلیل ۲۳- معنای نماز را تغییر داده اند .

چهار شعار دینی(نماز-زکات – روزه – حج) از ابراهیم به محمد رسیده است و محمد در این مورد پیرو ابراهیم است.

[۱۶:۱۲۳] ثم اوحینا الیک ان اتبع ملۀ ابرهیم حنیفا وما کان من المشرکین

سپس ما به تو (محمد) وحی کردیم که از دین ابراهیم* پیروی کن، یکتاپرستی؛ او هرگز مشرک نبود.

[۱۹:۵۹] فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوۀ واتبعوا الشهوت فسوف یلقون غیا

پس از آنها، او نسل هایی را جایگزین آنان کرد که نمازها (ارتباط با خدا) را ضایع کردند و از شهوات خود پیروی نمودند. آنها از نتایج آن رنج خواهند برد.

نماز یعنی دعای ارتباطی :

[۲۲:۷۷] یایها الذین ءامنوا ارکعوا واسجدوا واعبدوا ربکم وافعلوا الخیر لعلکم تفلحون

ای کسانی که ایمان دارید، به رکوع روید، سجده کنید، پروردگارتان را بپرستید و اعمال پرهیزکارانه انجام دهید، باشد که موفق شوید.

نماز سیستم مشخص است که طی(قیام و سجود و رکوع) انجام میشود قرآن تعلیم می دهد که ابراهیم بدون شک بنیان گذار اسلام به روش امروزی است. به این ترتیب، ابراهیم برای زندگی روزمره ما مسلمانان چه چیز بر جای گذاشته است . قرآن تعلیم می

دهد که تمام شعائر دین اسلام (دعای ارتباطی نماز، انفاق واجب زکـات، روزه و حـج) از طریق ابراهیم نسل به نسل به ما رسیده است. بنابراین، اسلام در شـکل نهـایی طبـق عرف کنونی، بر دو پایه استوار است:

(۱) قرآن: آنچه که از طریق محمد به ما رسیده و

(۲) مناسک مذهبی: آنچه که از طریق ابراهیم به ما رسیده است.

تمام مناسک مذهبی اسلام قبل از محمد وجود داشته است.

تنها ماموریت محمد تحویل دادن قرآن بود . ابراهیم اولین گیرنده اسـم اسـلام بـود و اولین کسی بود که کلمه "اسلام" را استفاده کرد. (۲:۱۳۱) درحالی که تنهـا ماموریـت محمد تحویل دادن قرآن بود، تمام مناسک مذهبی از طریق ابراهیم آمد.

و قالوا کونوا هودا أو نصاری تهتدوا قل بل مله ابراهیم حنیفا و مـا کـان مـن المشـرکین (۱۳۵)

۱۳۵- آنها گفتند، "باید یهودی یا مسیحی باشید تا هدایت شوید." بگـو، "مـا از دیـن ابراهیم پیروی می کنیم- یکتا برستی - او هرگز مشرک نبود."(۲:۱۳۵)

ما کان ابراهیم یهودیا و لا نصرانیا و لکن کان حنیفا مسلما و ما کان من المشرکین (۶۷)
ان أولی الناس بابراهیم للذین اتبعوه و هذا النب و الذین آمنوا و الله ول المؤمنین (۶۸)

۶۷ - ابراهیم نه یهودی بود، و نه مسیحی ؛ او یکتابرستی تسلیم شـده بـود. او هرگـز مشرک نبود. ۶۸ - افرادی بیشتر از همه شایستگی ابراهیم را دارند کـه پیـرو او و ایـن پیامبر و کسانی که ایمان دارند هستند. خدا مولا و سرور مؤمنان است.(۳:۶۸)

بنابراین، اسلام بر اساس دو چیز است:

(۱) قرآن: از طریق محمد

(۲) مناسک مذهبی: از طریق ابراهیم

دعای ارتباطی(نمازی) را که مخالفان محمد می خواندند . تمام جوامع عرب قبل و بعـد از زمان محمد پیرو دین ابراهیم بودند. از این قرار، ابو لهب، ابو جهل و مشرکین قـریش نمازهای پنج گانه را مانند ما انجام می دادند، با استثناء فاتحه ابراهیمـی بجـای فاتحـه قرآنی.

و ما کان الله لیعذبهم و أنت فیهم و ما کان الله معذبهم و هم یستغفرون (۳۳)و ما لهم ألا یعذبهم الله و هم یصدون عن المسجد الحرام و ما کانوا أولیاءه ان أولیـاؤه الا المتقـون و لکن أکثرهم لا یعلمون (۳۴)و ما کان صلاتهم عند البیت الا مکاء و تصدیه فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون (۳۵)

۳۳ - بهر جهت، خدا آنها را تنبیه نمی کند تا زمانیکه تو در میان آنها هستی ؛ خدا آنها را تنبیه نمی کند تا زمانیکه آنها در طلب آمرزش اند. ۳۴ - آیا آنها مستحق عذاب خـدا نیستند که دیگران را از مسجدالحرام باز داشتند، با اینکه متولی آن نیسـتند متولیـان واقعی آن پرهیزکارانند، اما بیشتر آنها نمی دانند. ۳۵ - دعای ارتباطی (نماز) آنان نـزد

زیارتگاه (کعبه) تمسخری بیش نبود و وسیله ای بود که مردم را باز دارند. (جمعیت را بیرون کنند) بنابراین، بجهت کفر خود عذاب رابچشید.(۸:۳۵)

اوقات نمازهای پنجگانه و تمام کلماتی که در نماز باید گفته شود در قرآن آمده است. جهت مطالب بیشتر در این زمینه به سایت www.usn2161.net مراجعه شود.

بعضی ها میگویند که تعداد رکعتهای نماز در قرآن نیامده است و به همین جهت خود را محتاج حدیث معرفی میکنند. و به این طریق خود را فریب میدهند و خود را وارد وادی شیطان میکنند. اما خواست خدا بالاتر از خواست شیطان است و آنها نمیدانند که اتفاقا حتی یک حدیث در مورد تعداد رکعتهای نماز موجود نیست. جالب این است که چیز قابل توجهی در مورد نماز در کتابهای حدیثشان نیامده است. تمام انبارهای حدیثشان را زیر و رو کنید طریقه انجام نماز را نمی یابید.اگر هست ذکر کنید؟ در این مورد بحث زیاد است. در مقاله ای مفصل بحث خواهد شد.

دلیل ۲۴- مساجدی که برضد خدا و رسول عمل می کنند

[۹:۱۰۷] والذین اتخذوا مسجدا ضرارا وکفرا وتفریقا بین المؤمنین وارصادا لمن حارب الله ورسوله من قبل ولیحلفن ان اردنا الا الحسنی والله یشهد انهم لکذبون

[۹:۱۰۷] کسانی هستند که از مسجد برای بت پرستی سوء استفاده می کنند، مؤمنان را فرقه فرقه می کنند و برای مخالفان خدا و رسولش راحتی فراهم می نمایند. آنها قاطعانه سوگند می خورند: "نیت ما خیر است!" خدا شهادت می دهد که آنها دروغگو هستند.

دلیل ۲۵- حجاب را منحرف کرده اند

هیچ جای قرآن دستور به پوشش روسری برای زنان نداده است . پوشش روسری ممکن است فرهنگ جامعه ای باشد ولی چیزی دینی به حساب نمیاید چیزهایی که در قرآن راجع به حجاب آمده است

بلند نگه داشتن لباسها :

[۳۳:۵۹] یایها النبی قل لازوجک وبناتک ونساء المؤمنین یدنین علیهن من جلبیبهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین وکان الله غفورا رحیما

ای پیامبر، به همسران و دختران خود و همسران مؤمنان بگو که لباس های خود را بلند کنند. بدین ترتیب، آنها (به عنوان زنان پرهیزکار) شناخته خواهند شد و مورد اهانت قرار نخواهند گرفت. خداست عفوکننده، مهربان ترین.

[۲۴:۳۱] وقل للمؤمنت یغضضن من ابصرهن ویحفظن فروجهن ولا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها ولیضربن بخمرهن علی جیوبهن ولا یبدین زینتهن الا لبعولتهن او ءابائهن او ءاباء بعولتهن او ابنائهن او ابناء بعولتهن او اخونهن او بنی اخونهن او بنی اخوتهن او نسائهن او ما ملکت ایمنهن او التبعین غیر اولی الاربۀ من الرجال او الطفل الذین لم یظهروا علی عورت النساء ولا یضربن بارجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن وتوبوا الی الله جمیعا ایه المؤمنون لعلکم تفلحون

و به زنان باایمان بگو که نگاه خود را مهار کنند و نجابت خود را حفظ نمایند و هیچ قسمتی از اندام خود را آشکار نکنند، مگر آنچه لازم است. باید سینه های خود را بپوشانند و اصول لباس پوشیدن را در حضور دیگران رعایت کنند، غیر از شوهرانشان، پدارانشان، پدرشوهرانشان، پسرانشان، پسران شوهرانشان، برادرانشان، پسران

برادرشان، پسران خواهرانشان، زنان دیگر و خدمتکاران یا کارکنان مرد که دیگر تمایل جنسی ندارند، یا بچه هایی که بالغ نشده اند. و هنگام راه رفتن طوری قدم برندارند تا برخی از اعضای بدنشان را تکان دهند و نمایان سازند. همه شما به خدا توبه کنید، ای ایمان آورندگان، باشد که موفق شوید.*

دلیل ۲۶- مسلمانان اطیعوالله و اطیعوا الرسول و اولوالامر منکم را نمیفهمند

سوره توبه :

[۹:۱] براءة من الله ورسوله الی الذین عهدتم من المشرکین

در این اتمام حجتی است از جانب خدا و رسولش به مشرکانی که با شما پیمان می بندند. سوره توبه برائت است با مشرکان . ولی میبینیم که خدا میگوید برائت از طرف خدا و رسولش. در عین حال میدانیم که سوره توبه از طرف خداست ولی در عین حال خدا میگوید برائت از طرف خداو رسولش. نکته ای که اینجا روشن است این است که پیام (برائت)از طرف خداست ولی خدا پیام را به خدا و رسول (هردو)نسبت میدهد. زیرا که پیامرسان رسول است و این به آن معنا نیست که رسول خود سوره توبه را ساخته است. بلکه چون سوره از طرف رسول به مردم میرسد پس رسول مسئولیت گفته های رسالت خود (تنها ابلاغ قرآن) را بر عهده باید بگیرد و این هر گونه شک و شبهه ای را در وظیفه رسول (تنها ابلاغ قرآن) باقی نمیگذارد. و از این نظر احترام رسول (احترام معقولانه از جنبه رسالت نه بت پرستی) به معنای احترام به رسالت است.

در حقیقت اطاعت از رسول یعنی اطاعت از رسالت (تنها ابلاغ قرآن). در قرآن بعضی جاها خدا ضمیر جمع به کار برده است .

هر کجا خدای قادر اول شخص جمع بکار برده است، حتماً دیگر موجودات مانند فرشتگان هم شرکت داشته اند. برای مثال فرشته جبرییل و محمد پیغمبر در وحی این کتاب شرکت داشته اند. بنابراین، در ۱۵:۹ حالت جمع بکار برده شده است: "ما این کتاب را وحی کردیم، و ما از آن محافظت خواهیم کرد." بصورت جمع بکار رفتن در اینجا نشان دهنده این است که محمد، پیغمبر خدا و جبرییل، فرشته خدا، در تحویل قرآن شرکت داشته اند.

مثال دیگر دمیدن نفس حیات بخش به آدم و عیسی است. آفرینش آدم در بهشت انجام گرفت، و خدا مستقیماً نفس حیات بخش را به او دمید. بنابراین، همیشه اول شخص مفرد بکار برده شده است: "من از روح خود به آدم دمیدم" (۱۵:۲۹، ۳۸:۷۲). در صورتیکه آفرینش عیسی در روی زمین انجام گرفت و جبرییل "کلام" خدا را به مریم انتقال داد. در اشاره به خلقت عیسی، مکرراً حالت جمع بکار برده شده است (۲۱:۹۱، ۶۶:۱۲).

بنابراین وقتی خدا میگوید اطیعوالله و اطیعوا الرسول و اولوالامر منکم , منظور این است که پیام از طرف خداست و رساندن آن برعهده رسول است و همچنین اجرا کردن احکام اجتماعی آن (مثل قصاص) برعهده صاحبان قدرت است.

دلیل ۲۷- سازش ساختگی با قرآن:

بعضی از مسلمانان میخواهند اینچنین سازش کنند که : "اگر حدیثی با قرآن موافقت داشته باشد، ما آن را قبول میکنیم، اما اگر با قرآن مغایرت داشته باشد، آنرا تکذیب

خواهیم کرد!" چنین سازشی ثابت میکند که این اشخاص به گفته خدا که قرآن "کامل و مفصل است، با تمام جزییات" ایمان ندارند. هنگامیکه از چیزی غیر از قرآن راهنمایی بجویند، حتی هر چقدر هم که "صحیح" به نظر برسد، باز به دام شیطان می افتند

زیرا آنها کلام خدا را رد کرده اند، و خدای دیگری در کنار خدا قرار داده اند (۱۸:۵۷).

سنجش احادیث با قرآن حربه جدیدی است برای در رفتن از زیر تفکر روی قرآن.

[۶۳:۱] اذا جاءک المنفقون قالوا نشهد انک لرسول الله والله یعلم انک لرسوله والله یشهد ان المنفقین لکذبون

هنگامی که منافقان نزد تو می آیند، می گویند: "ما شهادت می دهیم که تو رسول خدا هستی."* خدا می داند که تو رسولش هستی و خدا شهادت می دهد که منافقان دروغگو هستند.

اکثر احادیث ریشه ای در قرآن ندارند تا که با قرآن سنجیده شوند.اگر در قرآن هست پس دیگر لازم نیست . و اگر هم در قرآن نیست ، پس اضافی است. قرآن برای فهمیدن و فکر کردن نازل شده است

[۲۹:۶۹] والذین جهدوا فینا لنهدینهم سبلنا وان الله لمع المحسنین

و اما کسانی که در راه ما کوشش می کنند، ما مطمئنا آنها را به راههای خودمان هدایت خواهیم کرد. یقینا، خدا با پارسایان است.

دلیل ۲۸ – چرا خدا بر آسان بودن قرآن اصرار دارد؟

[۵۴:۱۷] ولقد یسرنا القرءان للذکر فهل من مدکر

ما قرآن را برای یادگیری آسان کردیم. آیا هیچ یک از شما می خواهد یاد بگیرد؟

[۵۴:۲۲] ولقد یسرنا القرءان للذکر فهل من مدکر

ما قرآن را برای یادگیری آسان کردیم. آیا هیچ یک از شما می خواهد یاد بگیرد؟

[۵۴:۳۲] ولقد یسرنا القرءان للذکر فهل من مدکر

ما قرآن را برای یادگیری آسان کردیم. آیا هیچ یک از شما می خواهد یاد بگیرد؟

[۵۴:۴۰] ولقد یسرنا القرءان للذکر فهل من مدکر

ما قرآن را برای یادگیری آسان کردیم. آیا هیچ یک از شما می خواهد یاد بگیرد؟

دلیل ۲۹ – مسلمانان با پیروی از حدیث قوانین راویان احادیث را بر قرآن ترجیح داده اند

به طور مثال :

الف- کشتن کسی که مرتد است مراجعه شود به آیه ۲:۲۵۶

ب- قطع کردن دست دزد برای فهمیدن مفهوم بریدن دست در قـرآن به آیات ۱۲:۳۱؛ ۵:۳۸ مراجعه شود.

ج- سنگسار کردن زنا کار ۲۴:۲؛ ۴:۲۵

د- کشتن هر کسی که نماز نمیخواند

ه- کشـــتن کســـی کـــه بـــرای بـــار چهـــارم مشـــروبات الکلـــی خـــورده اســـت ۲:۲۵۶؛۱۸:۲۹

و- ممنوع کردن عبادت برای زنانی که در عادت ماهانه هستند ۲:۲۲۲

ز- او را "حضرت محمد" خواندن ۲:۲۸۵

ح- قبر او را "مسجد مقدس" قرار دادن ۲:۱۴۹-۱۵۰

م- اضافه کردن اسم محمد به اولین ستون اسلام ۶۳:۱

و ....

دلیل ۳۰ – بهانه شرح جزئیات احکام :

هر آنچه احکام در قرآن آمده است برای هدایت کافی است و غیر از آن لازم نیست. زیرا کتاب خدا کامل است ولی مسلمانهای امروزی میگویند جزئیات احکام نیامده است. و اگر به آنها بگویید که همین مقدار احکام کافی است میگویند اگر فلان مورد پیش بیاید چه کار کنیم. بزرگترین سوره قرآن شامل مثلی حیرت انگیز است که به قول معروف به خال زده است :

خدا به بنی اسرائیل دستور میدهد که گاوی را ذبح کنید و گوشت آن را برمرده بزنید. اما بنی اسرائیل با سوالات بیمورد کار را برخود مشکل میکند. البته اگر خدا به بنی اسرائیل میگفت یک گاو ذبح کنید و بخورید فورا این کار را میکردند . و سوال بیمورد هم نمیکردند. مسلمانان هم کار را برخود مشکل کرده اند . در زمانی که مسئله دین به میان بیاید همه چیز مشکل میشود.همه چیز سوال میشود. آبی که شبانه روز از آن میخورند در موقع وضو گرفتن باید از مرجع تقلید و یا مجتهد خود اجازه بگیرند. خیلی راحت از مقدسین خود طلب رفع حاجت میکنند. اما اگر بگویید که فقط خدا را بخوانید آنوقت مسئله فلسفی میشود و مسئله شفاعت را پیش میکشند. و همه چیز مشکل میشود. آنوقت دیگر مفهوم استعانت فلسفی میشود.

آیات ۲:۶۷ تا ۲:۷۴ را بخوانید

دلیل ۳۱ -- خیلی از آیات قرآن با قل شروع میشود :

قل یعنی بگو . خدا به رسول دستور میدهد که بگو . مثل قل هو الله احد و ....

این نشان میدهد که حرفهای رسول همان حرفهای قرآن بوده است . ولی مسلمانان امروزی در نماز خود به خدا دستور میدهند که بگوید الله احد و این نشان از آن دارد که هنوز معنای پرستش خدا را نمیدانند.

دلیل ۳۲ -- بعد از آیات خدا به چه حدیثی ایمان دارید؟

[۴۵:۶] تلک ءایت الله نتلوها علیک بالحق فبای حدیث بعد الله وءایته یؤمنون

اینها آیات خداست که ما به حقیقت بر تو می خوانیم. به کدام حدیث به غیر از خدا و آیاتش ایمان دارند؟

اما مسلمانان امروزی در جواب میگویند که به گفته های راویان احادیث ایمان داریم ؟! حتی میگویند که قرآن مشکل است و هفتاد بطن دارد و ما نمیفهمیم و به این طریق خود را خلاص کرده اند . اصول دین مسلمانان را احادیث تشکیل داده است جالب این است که حتی در قرآن به این اصول هم اشاره ای نشده است ولی چون معتقدند که پیغمبر آن را گفته است آن را اصول خود قرار داده اند و یک بار هم از خود نمیپرسند که چرا اینها در قرآن نیامده است ؟

دلیل ۳۳- معنای حکمت و تعلیم در قرآن

بعضی ها میگویند حکمت همان سنت محمد است بهتر است که معنای حکمت را از خود قرآن بخواهیم:

آیه ۱: [۶۲:۲] هو الذی بعث فی الامین رسولا منهم یتلوا علیهم ءایته ویزکیهم ویعلمهم الکتب والحکمۀ وان کانوا من قبل لفی ضلل مبین ترجمه :
اوست که برای کسانی که کتاب آسمانی نداشتند، رسولی از میان خودشان فرستاد تا آیاتش را برای آنها بخواند، آنها را خالص کند و به آنها کتاب آسمانی و حکمت بیاموزد. پیش از این، آنها به کلی گمراه شده بودند.

آیه ۲: [۲:۲۳۱] : واذا طلقتم النساء فبلغن اجلهن فامسکوهن بمعروف او سرحوهن بمعروف ولا تمسکوهن ضرارا لتعتدوا ومن یفعل ذلک فقد ظلم نفسه ولا تتخذوا ءایت الله هزوا واذکروا نعمت الله علیکم وما انزل علیکم من الکتب والحکمۀ یعظکم به واتقوا الله واعلموا ان الله بکل شیء علیم

ترجمه :

اگر زنان را طلاق دهید، هنگامی که عده (سه عادت ماهانه) آنها به پایان رسد، باید به آنها اجازه دهید در همان خانه دوستانه زندگی کنند، یا بگذارید دوستانه آنجا را ترک نمایند. برای انتقام جویی، آنها را مجبور نکنید تا برخلاف میلشان بمانند. هر کس این کار را بکند به نفس خویش ستم می کند. آیات خدا را بیهوده نگیرید. نعمت های خدا را بر خود به یاد آورید و اینکه او برایتان کتاب آسمانی و حکمت فرو فرستاد تا شما را روشن کند. خدا را در نظر داشته باشید و بدانید که خدا بر همه چیز آگاه است.

آیه ۳:

[۳۶:۱] ی. س.*

[۳۶:۲] والقرءان الحکیم ترجمه :

یس و قرآن که سرشار از حکمت است.تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت همان قرآن است به دلایل زیر :

۱- در ۲:۲۳۱ " الکتب والحکمۀ یعظکم به" ضمیر به مفرد است و این در حالی است که این ضمیر مفرد اشاره به کتاب و حکمت هردو دارد.

۲- پیامبران و رسولان دیگر هم کتاب و حکمت داشته اند

۳- در ۳۶:۲ گفته است قرآن حکیم . قرآن حکیم یعنی قـرآن پـر از حکمـت . و ایـن یعنی حکمت در همان قرآن است .

۴- [۴:۱۰۵] انا انزلنا الیک الکتب بالحق لتحکم بین الناس بما ارک الله ولا تکن للخائنین خصیما

ترجمه : ما کتاب آسمانی را، بحق، بر تو نازل کرده ایم، تا میان مردم به موجب آنچه خدا به تو نشان داده است، حکم کنی. تو از خیانتکاران جانبداری نکن.
در ایه بالا محمد رسول خدا باید بر حسب کتاب خدا بین مردم حکم کند و این حکمـت همان قرآن است.پس حکمت اصلا به معنی سنت و حدیث نمیتواند باشد همـانطور کـه میدانید تنها سنت ذکر شده در قرآن همان سنت الله است و از سنت محمد ذکـری بـه میان نیامده است حکمت همان قرآن حکیم است .
۵- بر فرض مثال شما کتابی را میخوانید و دوستتان هم میخواهد بخواند تو به دوسـتت میگویید که این کتاب خیلی جالب است و تو هم بروید و این کتاب و فصـل هفـتمش را بخوانید . فصل هفتم داخل کتاب است
و از کتاب جدا نیست ولی تو جهت تاکید و اهمیت فصل هفتم ایـن حـرف را زدی خـدا میگوید که کتاب و حکمت . منظور این نیست که حکمت از کتاب جداست منظـور ایـن است که حکمت در این کتاب خیلی مهم است و قرآن حکیم را یاد آور میشود.
۶- مثالی دیگر :
[۲:۲۳۸]
حفظوا علی الصلوت والصلوۀ الوسطی وقوموا لله قنتین ترجمه :

مرتب نمازها) ارتباط با خدا) را به جا آورید، به خصوص نماز میانی را، و خود را کاملا بـه خدا اختصاص دهید.

در ایه بالا خدا بر اهمیت نمازها تاکید میکند و میگوید نمازها و نماز میانی را اهمیت بدهید نماز میانی از نمازها جدا نیست بلکه نماز وسطی جزو نمازهاست ولی خدا جهت اهمیت بیشتر آن را جدا ذکر میکند به همین ترتیب وقتی خدا میگوید کتاب و حکمت منظور این نیست که حکمت غیر از قرآن است بلکه میخواهد به حکمت به عنوان بخشی از کتاب اهمیت دهد. و این همان قرآن حکیم است .

اما معنای تعلیم :

آیه ۱: [۶۲:۲] هو الذی بعث فی الامین رسولا منهم یتلوا علیهم ءایته ویزکیهم ویعلمهم الکتب والحکمۀ وان کانوا من قبل لفی ضلل مبین ترجمه :
اوست که برای کسانی که کتاب آسمانی نداشتند، رسولی از میان خودشان فرستاد تا آیاتش را برای آنها بخواند، آنها را خالص کند و به آنها کتاب آسمانی و حکمت بیاموزد. پیش از این، آنها به کلی گمراه شده بودند.

تعلیم کتاب و حکمت یعنی تلاوت و رساندن آیات قرآنی (که شامل حکمت هم هست) به مردم. خدا خودش معلم قرآن است زیرا :

[۹۶:۱] اقرا باسم ربک الذی خلق

بخوان، به نام پروردگارت که خلق کرد.❊

[۹۶:۲] خلق الانسن من علق

او انسان را از رویان آفرید.

[۹۶:۳] اقرا وربک الاکرم

بخوان و پروردگارت، بلندمرتبه ترین را.

[۹۶:۴] الذی علم بالقلم

او به وسیله قلم می آموزد.

[۹۶:۵] علم الانسن ما لم یعلم

او به انسان چیزی را می آموزد که هرگز نمی دانست. حتی مشرکین به پیغمبر محمد میگفتند که بشری اورا " تعلیم " میدهد.

[۱۶:۱۰۳] ولقد نعلم انهم یقولون انما یعلمه بشر لسان الذی یلحدون الیه اعجمی وهذا لسان عربی مبین

ما خوب می دانیم که آنها می گویند: "بشری به او تعلیم می دهد!" زبان آن مرجعی که آنها به آن اشاره می کنند، غیر عربی است و این به زبان عربی کامل است.
پس تعلیم کتاب و حکمت همان قرآن است .

[۱۸:۵۴] ولقد صرفنا فی هذا القرءان للناس من کل مثل وکان الانسن اکثر شیء جدلا
ما هرگونه مثالی در این قرآن آورده ایم، ولی انسان بیش از هر موجودی اهل مجادله است.

دلیل ۳۴ – کتمان حرف خدا و تبیین حرف خدا چه معنی میدهد؟

[۳:۱۸۷] واذ اخذ الله میثق الذین اوتوا الکتب لتبیننه للناس ولا تکتمونه فنبذوه وراء ظهورهم واشتروا به ثمنا قلیلا فبئس ما یشترون

خدا از کسانی که کتاب آسمانی دریافت کردند، پیمان گرفت که: "شما باید آن را به مردم اعلام کنید و هرگز آن را پنهان نکنید." اما آنها به آن پشت کردند و آن را نادیده گرفتند و به بهایی ناچیز معامله کردند. چه معامله بدی.

[۱۶:۶۴] وما انزلنا علیک الکتب الا لتبین لهم الذی اختلفوا فیه وهدی ورحمة لقوم یؤمنون

ما این کتاب آسمانی را بر تو نازل کرده ایم تا هرچه را که در آن اختلاف دارند، برایشان روشن کند و هدایت و رحمتی باشد برای مردمی که ایمان دارند.

[۱۶:۴۴] بالبینت والزبر وانزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم ولعلهم یتفکرون
ما به آنها مدرکها و کتابهای آسمانی دادیم. و این پیام را بر تو نازل کردیم تا آنچه را که برای آنها فرستاده شده است به مردم اعلام کنی، شاید که بیندیشند.

[۱۶:۸۹] ویوم نبعث فی کل امة شهیدا علیهم من انفسهم وجئنا بک شهیدا علی هؤلاء ونزلنا علیک الکتب تبینا لکل شیء وهدی ورحمة وبشری للمسلمین

آن روز خواهد آمد که از میان هر جامعه ای شاهدی برمی انگیزیم و تو را به عنوان شاهد این مردم می آوریم. ما این کتاب را بر تو نازل کرده ایم تا همه چیز را توضیح دهد و هدایت و رحمت و مژده ای باشد برای تسلیم شدگان.

عبارت (الکتب تبینا لکل شیء) یعنی هر چیزی را در کتاب بیان کرده است.پس بیان کتاب و حکمت توی همان قرآن است و رسول همین را میرساند.

دلیل ۳۵ –- کسانی که به خدا ایمان دارند و قبول دارند که کتابش کامل است و بدون نقص و جزئیات است طبق قول خدا همه چیز برایشان راحت خواهد بود. ۱۰۰:۶۲و ۱۶:۹۷

در حالی که کسانی که به خدا ایمان ندارند و در جستجوی منابعی دیگر در کنار قرآن هستند سختی در این دنیا و در آخرت خواهند داشت و زندگی مشکلی خواهند داشت و بار خود را سنگین کرده اند و مطمئنا منحرف خواهند شد.

دلیل ۳۶ –- - چرا خدا امر به پیروی از رسول داده است؟

چرا به ما امر میکند که به رسول ایمان بیاوریم و چرا خدا پیامبر را پیامبر نامیده است؟ آیا اطاعت از رسول به معنای اطاعت از قرآن است یا به معنای اطاعت از کتب حدیث ؟ آیا خدا به ما دستور داده است از کتبی که سخنان آن به پیامبر نسبت داده شده است پیروی کنیم؟ اگر کسی از شما پرسید پیامبرتان کیست و چی گفته است شما به او چه جوابی میدهید؟ اگر از شما پرسیدند یکتاپرستی چیست شما در جواب کدامین سخن پیامبر را ذکر خواهید کرد؟ اگر از شما پرسیدند نظر پیامبر شما راجع به پیامبر عیسی چیست شما چه جوابی خواهید داد؟ اگر از شما پرسیدند کدامین کتاب سخنان پیامبر شماست شما کدام کتاب را به او معرفی میکنید کتاب قرآن یا کتب حدیث ؟
نزدیک به یک قرن بعد از مرگ پیامبر شروع به نوشته شدن کتابهایی به اسم کتب حدیث شد . مسلمانان کتاب قرآن را ناکافی دانسته و شروع به جمع آوری سایر گفته های پیامبر کردند غافل از اینکه پیامبر خود از قرآن پیروی میکرد و یکی از دلایل

موفقیت پیامبر هم همین بود. مسلمانان آمدند گفتند که حدیث و سنت تشریح کننـده قرآن است به این طریق هرجا که قرآن با پیشفرضهای ذهنی آنـان نمیخوانـد بـا چنـد حدیث آن را تطبیق میدادند. چندی بعد از پیامبر عده ای گفتند پیامبر سـایه نداشـت عده ای دیگر گفتند تمام دنیا و ماوراء آن بخاطر پیامبر ساخته شده است. عده ای دیگر عرض کردند که پیامبر از چهار طرف میدید و با چشمهای باز میخوابیـد عـده ای دیگـر گفتند که پیامبر در یک روز ۷۰۰ یهودی را به قتل رساند و ... .

آخرین خطبه پیامبر در حضور هزاران نفر انجام شد و ایـن خطبـه بـه چنـدین حالـت مختلف در تاریخ نقل شده است. عده ای گفتند که پیامبر گفته من دو چیز بـرای شـما باقی میگذارم و آن هم کتابی و عترتی است و اگر بـه آنـدو متمسـک شـوید منحـرف نخواهید شد. عده دومی گفتند که پیامبر گفته من دو چیز برای شما بـاقی میگـذارم و آن هم کتابی و سنتی است و اگر به آندو متمسک شوید منحرف نخواهید شد. عـده ای دیگر گفتند که پیامبر گفته من یک چیز برای شما باقی میگذارم و آن هم کتابی است و اگر به آن متمسک شوید هیچوقت منحرف نخواهید شد. حال شما میبینیـد کـه حـرف پیامبر در حضور هزاران نفر به سه حالت مختلف و متضاد به ما رسیده است و هر فرقـه ای برای خود یکی را انتخاب کرده است.این در حالی است که در اکثر احادیث دیگـر دو یا سه نفر دیگر حضور داشته اند ولی این یکی هزاران نفر حضور داشته اند ولی باز هم با وجود اینکه هزاران نفر حرف پیامبر را شنیدند ولی در تاریخ به سـه طریـق مختلـف و متضاد به ما رسیده است. این برای ما ثابت میکند که اکثر احادیث دیـد گردآورنـدگان حدیث را نشان میدهد و بیشتر سیاسی است. هزاران نفر نتوانستند یک حرف پیامبر را سالم برای ما منتقل کنند زیرا که کتب حدیث از شایعات گرد آوری شده است و بیشتر دید مردم قرن دوم و سوم هجری نسبت به دین را نشان میدهد و این همان دیـن آبـا و اجدادی است. جالب این است که شکل سـوم حـدیث را هیچکـدام ار فرقـه هـا ذکـر نمیکنند زیرا که شکل سوم فقط قرآن را توصیه میکند و فرقه هـای مـادرزادی را زیـر سوال میبرد.

تا زمانی که کتب حدیث در میان مسلمین شایع نشده بود به پیشرفتهای خوبی رسیدند و در علوم روز دست آوردهای جدیدی کسب کردند اما از زمانی که تقلید شروع شد و جایی برای فکر کردن روی قرآن نماند مسلمانان در نتیجه رو به دستنوشته های راویان حدیث آوردند و قدرت علمی آنان یواش یواش رو به زوال نهاد به طوریکه هر قومی به آنان حمله میکرد از آنطرف کشور خارج میشد.

خدای مهربان در جای جای قرآن به صور مختلف دستور داده است که از خدا و رسول پیروی کنید همچون "اطیعوا الله و رسوله" . عده ای آمدند گفتند که خدا خودش دستور به پیروی از کتب حدیث و سنت داده است زیرا که خدا خودش میفرماید از خدا و رسول اطاعت کنید. زیرا قرآن مال خداست و کتب حدیث و سنت هم مال رسول است و هر جای کتب حدیث با قرآن متضاد بود ما دورش می اندازیم.

مشکل اینجاست که پیروان حدیث فکر میکنند قرآن نماینده خداست و کتب حدیث هم نماینده رسول است.

۳۷ – – – خدا و رسول:

خدای مهربان در سوره توبه آیه یکم میفرماید:

[۹:۱] براءة من الله ورسوله الی الذین عهدتم من المشرکین
[۹:۱] در این اتمام حجتی است از جانب خدا و رسولش به مشرکانی که با شما پیمان می بندند.

خدا میفرماید برائت از طرف خدا و رسولش و اسم خدا را همراه اسم رسول ذکر میکند. در حالی که خدا سوره توبه را ساخته نه رسول. پس چرا خدا میگوید برائت از طرف خدا

و رسولش؟ اگر به گفته پیروان حدیث باشد باید میگفت برائتی از طرف خدا زیرا که سوره مال خداست .

اما واقعیت این است که خدا سوره را ساخته و رسول آن را به مردم ابلاغ میکند. در واقع ما علی الرسول الا البلاغ المبین. رسول پیام خدا را میرساند. همانطور که میدانید قرآن پیام خداست. اما مشرکان زمان پیامبر میگفتند که این را محمد ساخته است. در واقع این نشان میدهد که آنان رسول را با قرآن میشناختند. همه حرفشان از پیام جدیدی بود که او آورده بود. خدا که خودش پایین نیامده تا قرآن را به مردم ابلاغ کند. بلکه این وظیفه بر عهده رسول است. در واقع اینکه خدا فرموده اطیعوالله و اطیعوالرسول به معنای دو اطاعت موازی نیست. زیرا که پیام رسول همان پیام خداست زیرا رسول وظیفه دیگری غیر از آن ندارد. اما پیروان حدیث بین پیام خدا و پیام رسول تفرقه انداخته اند بطوریکه قرآن را به خدا و کتب حدیث را به رسول نسبت داده اند. به این طریق خدا حرفی میزند و رسول حرفهایی دیگر.

۳۸- - - شاعر :

مشرکین پیامبر را با قرآن میشناختند و الا قبلا که خیلی او را در کوچه و بازار میدیدند. به خاطر قرآن بود که به او میگفتند شاعر دیوانه . مشرکان میگفتند قرآن سحر و جادوی پیامبر است نمیگفتند که حدیث های او به جز قرآن سحر و جادوست. نزدیک به ۳۳۲ جمله اساسی قرآن با قل شروع میشود و خدا به پیامبر دستور میدهد که این را بگو و پیامبر محمد هم همانها را میگفت و اینها بهترین جملاتی است که پیامبر میتوانسته گفته باشه و پیروی از رسول یعنی همین. یعنی پیروی از قرآن. زیرا که مشرکین اصلا قبول نداشتند که این کتاب از طرف خداست پس به او میگفتند که محمد شاعر دیوانه است.

اگر واقعا و الله وکیلی کسی میخواهد از رسول پیروی کنید من چندین سخن پیامبر در قرآن را که با قل شروع میشود را ذکر میکنم و شما از آن پیروی کنید و این بهترین حرفی است که پیامبر محمد میتوانست زده باشد.

[۱۱۲:۱] اعلام کن: "اوست یگانه و تنها خدا.
[۱۱۲:۲] "خدای مطلق.
[۱۱۲:۳] "هرگز نزاده و هرگز زاییده نشده است.
[۱۱۲:۴] "احدی همتای او نیست."

۳۹-حدیث پیامبر را اذیت میکند.

واقعیت این است که کاتبان حدیث پیش مردم میرفتند و میگفتند که پیامبر چی گفته است ؟ و این در حالی بود که دویست سال و حتی بیشتر با پیامبر اختلاف زمانی داشتند. مثل این است همین حالا کسی بیاید از شما بپرسد در زمان قاجار چه خبر بود!! راویان حدیث پیش فرد میرفتند و او هم با ذکر سلسله مراتب پدر مادری خود جمله ای میگفت و او را به پیامبر نسبت میداد و این دقیقا مثل قصه های قدیمی است که نسل به نسل از مادر بزرگ و پدربزرگهایمان به ما رسیده است و تقریبا چیزی شبیه به نصیحت و افسانه.

خدای مهربان صراحتا اعلام میدارد که در خانه پیامبر به حدیث نپردازید زیرا حدیث او را اذیت میکند.

[۳۳:۵۳] یایها الذین ءامنوا لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم الی طعام غیر نظرین انه ولکن اذا دعیتم فادخلوا فاذا طعمتم فانتشروا ولا مستءنسین لحدیث ان ذلکم کان

يؤذى النبى فيستحى منكم والله لا يستحى من الحق واذا سالتموهن متعا فسءلوهن من وراء حجاب ذلكم اطهر لقلوبكم وقلوبهن وما كان لكم ان تؤذوا رسول الله ولا ان تنكحــوا ازوجه من بعده ابدا ان ذلكم كان عند الله عظيما

[۳۳:۵۳] ای کسانی که ایمان دارید، به منازل پیامبر وارد نشوید مگر آنکه برای خوردن غذا اجازه داشته باشید و نباید او را به چنین دعوتی وادار کنید. اگر دعوت شدید، مــی توانید وارد شوید. هنگامی که غذا خوردید، بروید؛ او را با صحبت های طولانی مشــغول نکنید. این کار پیامبر را آزار می داد و او خجالت می کشید که به شما بگوید، اما خــدا از حقیقت شرم ندارد. اگر لازم شد از زنان او چیزی بخواهید، از پشت حایلی از آنها سئوال کنید. این برای قلب های شما و قلب های آنها منزه تر است. باعث ناراحتی رسول خــدا نشوید. پس از او با زنانش ازدواج نکنید، زیرا این از نظر خدا گناهی بزرگ خواهد بود.

۴۰-تکذیب پیامبر :

تکذیب پیامبر به معنای تکذیب قرآن است. مشرکین که پیامبر را قبــول نداشــتند بــه خاطر پیام قرآن بود.

[۳۴:۳۴] وما ارسلنا فى قريۀ من نذير الا قال مترفوها انا بما ارسلتم به كفرون

[۳۴:۳۴] هر بار که هشداردهنده ای برای جامعه ای فرســتادیم، پیشــوایان آن جامعــه گفتند: "ما پیامی را که با تو فرستاده شده است، تکذیب می کنیم."

۴۱-حق و باطل :

خدای مهربان میفرماید "اطیعوا الرسول" نه "اطیعوا محمد" .

و این به آن دلیل است که پیام پیامبر باید اطاعت شود نه مسائل شخصـــی او. در اوایـــل سوره محمد خدای مهربان به طور بسیار جالبی اعلام میدارد که حـــق چیســـت و باطـــل چیست!

[۴۷:۱] کسانی که ایمان نمی آورند و از راه خدا بازمی دارند، او اعمالشان را باطـــل مـــی کند.
[۴۷:۲] کسانی که ایمان دارند و اعمال پرهیزکارانه انجام می دهند و به آنچه بر محمـــد نازل شد- که حقیقتی است از جانب پروردگارشان- ایمان می آورنـــد، او گناهانشـــان را می بخشد و به آنها رضایت خاطر عطا می کند.
[۴۷:۳] زیرا کسانی که ایمان نیاوردند از باطل پیروی می کنند، ولی کسانی کـــه ایمـــان آوردند از حقیقتی که از جانب پروردگارشان آمده است، پیروی می کنند. خدا این چنین آنها را برای مردم مثال می زند.

همانطور که میبینید در این سوره که اتفاقا اسم سوره محمد است سه خصوصیت بـــرای مومنان ذکر شده است و آن این است :

الف - کسانی که ایمان دارند و
ب- اعمال پرهیزکارانه انجام می دهند و
ج- به آنچه بر محمد نازل شد ایمان می آورند

و در ادامه میفرماید که این حق است از طرف خدا. و جالب این است که در آیـــه بعـــدی میفرماید کافرین از باطل پیروی میکنند. در واقع خدای مهربان اعلام میدارد که از آنچه که بر محمد نازل شده است پیروی کنید و این دقیقا همان پیروی از رسول است.

۴۲- پیروی از خدا و پیروی از رسول :

زمانی که خدا میفرماید "اطیعوالله و اطیعوا الرسول" پیروان حدیث انتظار دارند که خدا یک منبع داشته باشد و رسول هم منابعی دیگر داشته باشد.به همین خاطر زمانی که به آنان میگویید از حدیث پیروی نکنید فورا در جواب میگویند که مگر خدا نگفته اطیعوا الرسول. بعد میگویند که پس شما که از کتب حدیث پیروی نمیکنید رسول را رد کرده اید.!!!! غافل از اینکه پیروی از رسول یعنی پیروی از قرآن. کسی که از قرآن پیروی کند در واقع و صددرصد از رسول پیروی میکند.

من چند مثال را از خود قرآن در این رابطه ذکر میکنم :

مثال یک :

خدای قادر توانا در سوره مجادله ابتدا یک سری احکام راجع به طلاق ذکر میکند و سپس در آیه چهارم بیان میدارد که این احکام برای کسانی است که به خدا و رسول ایمان دارند و در ادامه میفرماید این حدود خداست و باید اجرا شود و در آیه بعدش در ادامه میگوید که کسانی که حدود خدا را اجرا نکنند با خدا و رسول جنگیده اند.
همانطور که میبنییم احکام را خود خدا بیان میکند و سپس میگوید که این احکام برای کسانی است که به خدا ورسول ایمان دارند و در ادامه میفرماید که کسانی که این احکام را اجرا نکنند با خدا و رسول جنگیده اند. همانطور که میبینید همه اش راجع به خود قرآن است و از کتب حدیث حرفی به میان نیامده است.

مثال دو :
در سوره طلاق خدای مهربان ابتدا احکام را بیان میدارد سپس در ۶۵:۱۱ اعلام میدارد که این آیات خداست که رسول بیان میدارد و در واقع به این طریق اعلام میدارد که

رسول نماینده خداست و شما باید از رسول اطاعت کنید زیرا که خدا از طریــق رســول احکامش را بیان میدارد.

۴۳- خدا از غیبت خوشش نمیاید:

پیروان حدیث پشت سر پیامبر حرف میزنند و هزاران تهمت و حــرف بــرای او درســت میکنند بطوریکه میگویند او سایه نداشت و توانایی جنسی او برابر با سی مــرد اســت و تمام دنیا برای او آفریده شده است و... خدا آنان را از این کار نهی فرموده :

[۵۸:۹] ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر مجبور شدید که مخفیانــه مشــورت کنیــد، نباید برای گناه کردن، ستمگری و نافرمانی از رســول مشــورت کنیــد. بایــد در جهــت پرهیزکاری و تقوا با یکدیگر مشورت کنید. هیبت و حرمت خدا را ارج نهید، یکتایی کــه نزد او احضار خواهید شد.

[۵۸:۱۰] توطئه مخفیانه ایده شیطان است که می خواهد از این طریق بــه کســانی کــه ایمان آوردند، صدمه بزند. اگرچه، او نمی تواند برخلاف خواست خــدا بــه آنهــا آســیبی برساند. مؤمنان باید به خدا اعتماد کنند.

۴۴- وظیفه پیامبر :

پیامبر بدون قرآن هم میبایست به یکتاپرستی دعوت میکرد زیرا یکتاپرستی یک عمل است نه حرف. باید پاشد و یکتاپرست شد در مرحله عمل نه حرف. در واقع خود پیــامبر محمد درک کرده بود که این بتها فایده ای ندارند هنوز بیش از چند آیه نازل نشده بــود که خدا او را به تبلیغ یکتاپرستی دعوت میکند (سوره مدثر). و حتی او میبایست خــود را برای اینکار آماده میکرد و خدا ریاضتهایی برای او در نظر گرفته بود (سوره مزمل).

پیامبر در طول ۲۳ سال قرآن به تدریج بر او نازل شد و به همین خاطر کتاب قرآن در طی ۲۳ سال کامل شد. زمانی که خیلی از احکام هنوز بر پیامبر نازل نشده بود در آن موقع وظیفه رسول هنوز تمام نشده بود و پس مردم آن زمان میبایست در موارد جدید چشم به پیامبر بدوزند تا که باقی موارد بر او نازل شود. اما در زمان ما کتاب قرآن کامل است و مهمتر از همه این که پیامبر زنده نیست و تنها راه پیروی از پیامبر پیروی از کتاب اوست که همان قرآن است.

۴۵- یک وعده یا دو وعده :

خدای مهربان در ۳۳:۲۲ میفرماید :

[۳۳:۲۲] ولما رءا المؤمنون الاحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله وما زادهم الا ایمنا وتسلیما

[۳۳:۲۲] هنگامی که مؤمنان واقعی گروه ها را (آماده حمله) دیدند، گفتند: "این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده اند و خدا و رسولش راستگو هستند." این (موقعیت خطرناک) فقط ایمان آنها را قوی تر کرد و بر میزان تسلیم بودنشان افزود.

در این آیه وعده ای از طرف خدا و رسولش به آنان داده شده بود مطمئنا وعده از طرف خدا بوده است ولی آنان میگویند که "این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده اند ". و در ادامه میگویند که " وصدق الله ورسوله " . این نشان میدهد که آنان وعده خدا را از طریق رسول دریافت میکنند به همین خاطر میگویند "ماوعدنا الله و رسوله" . و به این معنا نیست که خدا یک وعده داده است و رسول هم یک وعده. بلکه فقط یک وعده است.

همچنین در ادامه میگویند " وصدق الله ورسوله ". میگویند که خدا و رسولش راستگو هستند در حالی که وعده از طرف خدا بوده است فقط از طریق رسول به ما رسیده است.

با این حال زمانی که خدا میفرماید اطیعوا الله و اطیعوا الرسول به این معنا نیست که قرآن مربوط به خدا است و کتب حدیث و سنت هم مربوط به رسول. بلکه رسول دارد منبع خدا را به ما معرفی میکند.
آیا شکی باقی مانده است؟!!

۴۶- بزرگترین آیه قرآن :

آیه ۲:۲۸۲ بزرگترین آیه قرآن است که در حدود یک صفحه تمام جای گرفته است. این آیه بزرگ و طولانی راجع به نوشتن وصیت حرف میزند. حال شما توجه کنید خدایی که یک آیه طولانی و مفصل راجع به نوشتن وصیت ذکر میکند چطوری پیامبر به آیه عمل نمیکند و ارشادات و توضیحات و سنت خود را که توضیح دهنده و روشن کننده قرآن است را نمینویسد؟!!! و به دو سه قرن بعد موکول میشود.!! آیا این با عقل سازگار است!!؟

۴۷- اطیعوا الله و اطیعوا الرسول :

در آیه زیر خدا میفرماید :

[۶۴:۱۲] واطیعوا الله واطیعوا الرسول فان تولیتم فانما علی رسولنا البلغ المبین
[۶۴:۱۲] از خدا اطاعت کنید و از رسول اطاعت کنید. اگر شما روی بگردانید، پس تنها ماموریت رسول ما رساندن پیام است.

خدای مهربان در این آیه اطاعت از رسول و اطاعت از خدا را بطور جداگانه ذکر میکند بطوریکه یکبار میگوید "اطیعوا الله" و بار دیگر میفرماید "اطیعوا الرسول". دو تا اطاعت ذکر شده است. جالب این است که در ادامه میفرماید :" تنها ماموریت رسول ما رساندن پیام است."

آیا این اتفاقی است که بعد از ذکر " واطیعوا الله واطیعوا الرسول" خدا بگوید که

":" تنها ماموریت رسول ما رساندن پیام است "

آیا این اتفاقی است؟؟؟؟

[۴۵:۶] تلک ءایت الله نتلوها علیک بالحق فبای حدیث بعد الله وءایته یؤمنون
[۴۵:۶] اینها آیات خداست که ما به حقیقت بر تو می خوانیم. به کدام حدیث به غیر از خدا و آیاتش ایمان دارند؟

۴۸- اقوام بدوی :

خدای مهربان به پیامبر اعلام میکند آنچه را که نازل شده است برای آنان بیان کند. وصف نذیر مبین را برای رسول استفاده میکند . جالب است که این وصف را برای کتاب قرآن هم بیان میکند. به این طریق قرآن هم نذیر مبین است.
همه میدانیم که پیامبر نوح در جامعه ای بدوی زندگی میکرد . شما در هیچ جای قرآن نمیتوانید یک آیه هم پیدا کنید که خدا به پیروان پیامبر نوح گفته باشد نماز بخوانید و یا حرف از کتاب آسمانی بزنند. بلکه همین که آنان یکتاپرست میبودند کافی بود . خدا فقط از آنان میخواست یکتاپرست باشند. نماز و نزول کتاب بعدا از زمان پیامبر ابراهیم شروع شد.

شما اگر سوره نوح را مطالعه کنید خیلی چیزها را متوجه میشوید . متوجه خواهید شد که نوح خود را نذیر مبین مینامد.

[۷۱:۲] قال یقوم انی لکم نذیر مبین
[۷۱:۲] او گفت: "ای قوم من، من برای شما هشداردهنده ای آشکارکننده هستم.

جالب است که در ادامه میفرماید "اطیعون". و این خود نشان میدهد که اطاعت از پیامبر به چه معناست. در حالی که نه کتابی وجود داشت و حتی مردم هنوز کتابت هم بلد نبودند. ولی با وصف اینها نوح به مردمش میفرماید "از من اطاعت کنید". در واقع اطاعت از او به معنای پرستش فقط خدا بود زیرا نوح آنان را به این کار دعوت میکرد.

[۷۱:۳] ان اعبدوا الله واتقوه واطیعون
[۷۱:۳] "تا شما را هوشیار کنم که خدا را بپرستید، هیبت و حرمت او را ارج نهید و از من اطاعت کنید.

۴۹- برای یک لیوان شیر نباید یک گاوداری با جنون گاوی خرید

زمانی که خدا میفرماید کتاب قرآن کامل است باید به حرف او اعتماد کنیم زیرا او خالق ماست . او میداند که کتاب قرآن برای ما کافی است. اگر به حرف خدا اعتماد نکنیم آینده ناگواری در انتظار ما خواهد بود. پیامبر ابراهیم در خوابش احساس میکند که باید پسرش را قربانی کند و چون مخلص بود اینکار را انجام داد و خدا هم با هدیه بهتری جواب اخلاص او را داد. زیرا که او به خدا اعتماد کرده بود . بنابراین کسانی که کتب

حدیث را قبول میکنند به این معناست که حرف خدا را قبول ندارند و عدم اخلاص خود را نسبت به خدا نشان میدهند.

۵۰- قاعده ای عمومی

ممکن است عده ای بگویند که ما فقط از احادیث صحیح استفاده میکنیم. باید عرض کنم که شما حتی یک نفر را هم نمیتوانید پیدا کنید که اعلام کند از احادیث ضعیف استفاده میکند همه معتقدند احادیثشان قوی است. ولی با وصف این میدانیم که هر فرقه ای باز هم حرفهای خود را میزنند.

۵۱- اذیت خدا و رسول

اگر آیه ۵۹:۴ را نگاه کنیم متوجه نکته زیبایی خواهیم شد.

[۵۹:۴] ذلک بانهم شاقوا الله ورسوله ومن یشاق الله فان الله شدید العقاب
[۵۹:۴] این به دلیل آن است که آنها با خدا و رسولش مخالفت کردند. خدا در اجرای مجازات برای کسانی که با خدا و رسول او مخالفت کنند، سخت گیرترین است.

همانطور که میبینیم خدا میفرماید " شاقوا الله ورسوله " و به این طریق خدا و رسول را بغل هم قرار میدهد. ابتدا از اذیت خدا و رسول صحبت میکند اما در ادامه میگوید " ومن یشاق الله ". این به این معناست که خدا پشت همه این قضیه هاست. در واقع مشرکین رسول را اذیت میکردند و این یعنی مخالفت با پیام خدا و در نتیجه یعنی مخالفت با خدا.

پس وقتی که خدا میفرماید ار خدا و رسول اطاعت کنید منظورش دو منبع جداگانه نیست بلکه همه اش یک منبع است که بوسیله رسول به ما معرفی شده است.

جالب است که در آیه ای دیگر (۸:۱۳) این جملات دقیقا به همانصورت تکرار شده است به جز اینکه در قسمت آخر آیه "ورسوله" اضافه شده است. حال شما دو آیه را با هم مقایسه کنید:

[۵۹:۴] ذلک بانهم شاقوا الله ورسوله ومن یشاق الله فان الله شدید العقاب
[۸:۱۳] ذلک بانهم شاقوا الله ورسوله ومن یشاقق الله ورسوله فان الله شدید العقاب

حال سوالی پیش میاید و این است که چرا در قسمت آخر آیه اولی رسول ذکر نشده است ولی در آیه دومی ذکر شده است همه چیز روشن است واقعا مشخص است که چرا خدا اسم رسول را پس از اسم خود ذکر میکند برای اینکه او رساننده پیام خداست و همه مسئولیتها بر عهده رسول است. همه چیزها دست خداست اوست که همه چیز را کنترل میکند.بنابراین میبینید خدا در آیه ۵۹:۴ رسول را ذکر کرده است ولی در ۸:۱۳ رسول را ذکر نکرده است و این بسته به حکمت خدای یکتاست.

۵۲- تبلیغ اسلام

زمانی که پیامبر اسلام را تبلیغ میکرد تعداد زیادی از سایر مسلمانان دیگر هم مشغول تبلیغ اسلام بودند زیرا خود پیامبر نمیرسید برای همه این مطالب را تکرار کند و علاوه برآن پیامبر وظیفه دیگری علاوه بر تبلیغ پیام خدا داشت و آن هم دریافت کلام خدا قرآن بود بطوریکه خیلی از وقت خود را صرف این مورد میکرد.کتابی کامل که آنچه را برای هدایت ما لازم است را داراست.کتاب قرآن علاوه بر آنکه دارای تمام احکام مورد نیاز ماست دارای مطالب یکتاپرستی است که به

سبک خاصی در جاهای مختلف تکرار شده است. شما اگر خوب توجه کنید میبینید که اکثر مطالب قرآن به طرز خاصی از طریق داستانهای مختلف تکرار شده است تا کاملا رسا باشد. شما در تمام دنیا کتابی با این سبک نگارش نخواهید یافت. واقعا این کتاب برای کسانی که روی آن فکر میکنند و تدبر میکنند هدایت کننده است. اما کسانی که با پیشفرضهای ذهنی خود خو گرفته اند برای آنان فقط خسران است.

همانطور که در آیه زیر میبینید کسانی دیگر هم همراه پیامبر در جاهای مختلف آیات خدا را برای مردم میخواندند. اگر پیام قرآن به تنهایی کافی نیست و احتیاج به تفسیر دارد پس چطوری پیامبر به دیگران اجازه میدهد آیات را برای مشرکین تلاوت کنند مگر همه مثل پیامبر مفسر قرآنند؟!!

[۲۲:۷۲] واذا تتلی علیهم ءایتنا بینت تعرف فی وجوه الذین کفروا المنکر یکادون یسطون بالذین یتلون علیهم ءایتنا قل افانبئکم بشر من ذلکم النار وعدها الله الذین کفروا وبئس المصیر

[۲۲:۷۲] هنگامی که آیات ما آشکارا برایشان خوانده می شود، پلیدی را در چهره کافران تشخیص می دهی. آنها نزدیک است به کسانی که آیات ما را برایشان می خوانند، حمله کنند. بگو: "آیا می خواهید شما را به بسیار بدتر از این آگاه سازم؟ خدا دوزخ را به کسانی که ایمان ندارند، وعده داده است؛ چه سرانجام فلاکت باری."

پس پیامبر محمد علاوه بر دریافت قرآن به تبلیغ یکتاپرستی هم میپرداخت. او از خود حکم نمیساخت بلکه همه اش از طرف خدای یگانه بر او نازل میشد. او خود یکتاپرستی را درک کرده بود و مثل پیامبر ابراهیم خود راه راست را پیدا کرده بود و البته به این معنا نیست که او همه قرآن را میدانست. نه او چیزی از قرآن نمیدانست بلکه او براساس حس خداجویی خدا را یکتا یافته بود بنابراین یکی دیگر از وظایف پیامبر دعوت مردم

به یکتاپرستی بود و بیدار کردن دلهای مردم بود. این موارد در سوره های مزمل و مدثر به خوبی توضیح داده شده است. در سوره مدثر به پیامبر اعلام میشود که پا شو . این دستور عملی است زیرا اعلام یکتاپرستی عملی است نه فقط حکمی ساده. از اینجا مشخص میشود که وجود پیامبر لازم بود. ممکن است عده ای بگویند که اگر پیام رسول فقط قرآن است پس بهتر بود که کتاب قرآن بیکباره نازل میشد و در آن صورت رسول لازم نبود!! این گروه هنوز نقش پیامبر را درک نکرده اند. متوجه نشده اند که اولین وظیفه پیامبر تبلیغ یکتایی خدا بود که بدون قرآن هم ممکن بود زیرا او به عنوان یک رسول این مورد را درک کرده بود و براساس میزان درک خود باید مردم را به آن فرامیخواند. متاسفانه این گروه هنوز نقش پیامبر را درک نکرده اند و همچنان میخواهند از دستنوشته های قرن سوم و چهارم هجری پیروی کنند. کسانی که پیرو قرآنند پیامبر آنان محمد در سال ۵۷۰ میلادی زندگی میکرد اما کسانی که پیرو کتابهای خودشانند پیامبرشان در قرن سوم هجری زندگی میکرد.

اما سوالی که پیش میاید آیا قرآن دارای نکات یکتاپرستی است یا نه ؟

جواب این است بله. بیش از نصف قرآن پر است از داستانهای پیامبران و اقوام گذشته که در جای جای قرآن به سبکهای خاص و متنوع تکرار شده است و این خود الگویی بسیار خوب است برای کسانی که میخواهند پاشوند و یکتاپرست شوند.

۵۳- بررسی سند

بعد مسلمانان سندها را بررسی میکنند علم رجال را بوجود آوردند. راجع به راوی حدیث قضاوت میکردند میگفتند که طرف دروغگوست یا نه ؟ واقعا خیلی عجیب است . مگر فقط خدا نیست که از همه نهانها خبر دارد. ممکن است فردی در میان مردم خیلی برو بیا داشته باشد اما فردی شیطانی باشد و در جامعه ما مثل این افراد فراوان است .

بدون اطلاع از نهاد درونی فرد شما چطوری قضاوت میکنید که او راستگوست یا دروغگو؟ آن فرد چیزی را که از اطرافیانش شنیده است برای راوی بازگو کرده است نه چیزی دیگر ! . پیامبر محمد بدون وحی کلامی نمیگفت اما بدون وحی همه چیز در کتب حدیث یافت میشود (۴۵:۱۸). رسول هم باید طبق حکم خدا عمل کند اگر باور ندارید آیات زیر را نگاهی بیندازید:

(۶:۱۹ و ۱۶:۸۹ و ۵:۴۸ و ۵:۴۵ و ۵:۴۷)

من با اطمینان کامل به شما میگویم که کتب حدیث همان دین عوام است و همان دین آبا و اجدادی است.کتاب خدا که از هر جهت معجزه است را ول کرده و به دنبال دستنوشته های قرون اولیه افتاده اید!؟؟؟

اگر شما تعریف حدیث صحیح را میخواهید به آیات زیر مراجعه کنید :

(۳۹:۲۳ و ۳۱:۵ و ۷:۱۸۵ و ۴۵:۶)

۵۴- با این بترسان

[۶:۱۹] قل ای شیء اکبر شهدۀ قل الله شهید بینی وبینکم واوحی الی هذا القرءان لانذرکم به ومن بلغ ائنکم لتشهدون ان مع الله ءالهۀ اخری قل لا اشهد قل انما هو اله وحد واننی بریء مما تشرکون

[۶:۱۹] بگو: "شهادت چه کسی بالاترین است؟" بگو: "شهادت خدا. او میان من و شما شاهد است که این قرآن* به من وحی شده است، تا آن را به شما و به هر کس که به آن

دست یابد، ابلاغ کنم. درواقع، شما در کنار خدا به خدایان دیگر هم شهادت می دهید." بگو: "من مانند شما تشهد نمی گویم؛ فقط یک خدا وجود دارد و من شرک شما را رد می کنم.

دوستان عزیز لطفا آیه بالا را یکبار بخوانید . چیزی که جالب است جمله زیر است :

"واوحی الی هذا القرءان لانذرکم به ومن بلغ"

"و این *قرآن* به من وحی شده است، تا آن را به شما و به هر کس که به آن دست یابد، ابلاغ کنم."

به ضمیر "ه" در کلمه "به" توجه کنید هماطور که میبینید خدای مهربان میفرماید که این قرآن به من وحی شده است تا با آن (یعنی قرآن) شما را هشدار دهم. آیا دیگر حرفی باقی مانده است؟؟!!!

۵۵- پیامبر شاهد است

[۱۶:۸۹] ویوم نبعث فی کل امة شهیدا علیهم من انفسهم وجئنا بک شهیدا علی هؤلاء ونزلنا علیک الکتب تبینا لکل شیء وهدی ورحمة وبشری للمسلمین

[۱۶:۸۹] آن روز خواهد آمد که از میان هر جامعه ای شاهدی برمی انگیزیم و تو را به عنوان شاهد این مردم می آوریم. ما این کتاب را بر تو نازل کرده ایم تا همه چیز را توضیح دهد و هدایت و رحمت و مژده ای باشد برای تسلیم شدگان.

خدای توانا در آیه میفرماید آن روز خواهد آمد که از میان هر جامعه ای شاهدی انتخاب شود و پیامبر هم به عنوان شاهد این مردم آورده میشود .

جالب است که در ادامه آیه میفرماید :

ما این کتاب را بر تو نازل کرده ایم تا همه چیز را توضیح دهد و هدایت و رحمت و مژده ای باشد برای تسلیم شدگان.

پس متوجه خواهیم شد که آنهایی که بعد از پیامبر محمد به کتاب خدا راضی نشــدند و کتب حدیث را اختراع کردند مشمول آیه بالایی هستند مطمئنا خدای مهربــان آنــان را مورد مواخذه قرار میدهد و پیامبر هم به عنوان شاهد در قیامت عمــل میکنــد و اعــلام میکند که ای خدای مهربان من چیزی به جز قرآن و چیزی بهتر از قرآن به اینان نگفتــه ام و نمیتوانسته ام بگویم.

۵۶- دو نوع متر

شاید تعجب کنید که پیروان حدیث مثل بزاز و پارچه فروش کلک دو نوع متر دارند یک متر ۱۰۰ سانتی و یک متر ۹۰ سانتی. اگر طرف گفتگوی آنان باهوش باشد و یا غیر خودی باشد از متر صد سانتی استفاده میکنند ولی اگر در بین خودشان باشد از متر ۹۰ سانتی استفاده میکنند. تعداد زیادی از احادیث غلو آمیز راجع به مقدسین خود دارند اما جالب این است که اگر شما به آنها بگویید این احادیث چیست به تو خواهند گفت این احادیث ضعیف است در حالی که در مجالس خصوصی خود از این احادیث فراوان بهره میبرند. و هنوز مشخص نیست که چرا این احادیث یکبــار ضــعیف اســت و یکبــار قــوی !! شــاید نظرشان راجع به راستگو بودن راوی حدیث مرتب عوض میشود!!

۵۷- سنت پیامبران پیشین

چرا هیچ یک از پیامبران قبل نگفتند که از سنت ما پیروی کنید بلکه همه کتابهای آسمانیشان را توصیه کردند. آن قسمت از کتابهای آسمانی هم که تحریف شده است دقیقا چند قرن بعد از پیامبرشان بوسیله راویان صورت گرفت.خدای مهربان میفرماید پیامبر محمد هم کسی است مثل موسی و عیسی و ادریس. پس آگر آنان سنت نداشته اند چرا پیامبر محمد باید سنت داشته باشد ؟!!!

۵۸- آیا حدیث به درد میخورد ؟

بعضی میگویند که ما احادیث را با قرآن می سنجیم اگر با قرآن مخالف بود دورش می اندازیم ! و البته ۱۰۰۰ سال است که همه همین را میگویند! واقعا اگر قرار است که حدیث با قرآن سنجیده شود دیگر حدیث به چه دردی میخورد؟ مثلا در مورد نماز خواندن چیزهایی در حدیث ذکر شده است که اتفاقا نباید در نماز باشد و با آیات قرآنی نمیسازد همچون سلام بر پیامبر در نماز و... . با توجه به اینکه معتقدند احادیث را با قرآن میسنجند ولی معلوم نیست که چرا تا حالا این موارد را نسنجیده اند و هنوز هیچ تغییری در نماز خود بوجود نیاورده اند و سنجشی در کار نبوده است حداقل میبایست یک کمیته سنجش تشکیل میدادند؟؟!!

۵۹- پیامبر از تحدی قرآن برآمد !!!

خدا بت پرستان را به مبارزه میطلبد و به آنها اعلام میکند که اگر راست میگویید سخنی مثل قرآن بیاورید.

[۵۲:۳۴] فلياتوا بحديث مثله ان كانوا صدقين

[۵۲:۳۴] بگذار حدیثی مانند این ارائه دهند، اگر راست می گویند.

جالب است حدیثی ذکر شده است که پیامبر میگوید: ((به من قرآن و حدیثی مثل آن داده شده است)) (نغوذ بالله) و به این طریق سازندگان این حدیث می خواهند خدا را حریف شوند و حدیث می سازند . همانطور که میبینید کتابی که جن و انس در برابرش عاجزند توسط راویان قرن دوم و سوم مثل آن ساخته شد!!!!

۶۰-کلمه حدیث و سنت هیچوقت در کنار اسم پیامبر ذکر نشده است.

شاید تعجب کنید کلمه حدیث ۱۸ بار در قرآن ذکر شده است ولی هیچوقت در کنار اسم پیامبر ذکر نشده است بلکه همیشه یا به عنوان سخن گمراه یاد شده است و یا اینکه به عنوان آیات قرآن یاد شده است. به عنوان نمونه به آیات زیر مراجعه شود :

۳۹:۲۳ و ۳۱:۶ و۷:۱۸۵ و۴۵:۶

اگر پیامبر حدیث و سنت دارد پس چرا در قرآن یکبار هم پیامبر با کلمه حدیث و یا سنت ذکر نشده است؟

زیرا که خدای مهربان بسیار دقیق کلمات را بیان میکند و همه چیز را تحت کنترل خویش دارد. کلمات قرآن آنقدر دقیق است که روی حرف به حرف آن میتوان استناد کرد و به این طریق فرقانی به تمام جهانیان اعطا شده است که بوسیله آن راه راست و نادرست تشخیص داده میشود. خدای یکتا را سپاس میگوئیم که توطئه های شیطان علیه دین خدا را آشکار کرد.

۶۱-آیا این است مبین ؟

همانطور که در ابتدا گفته شد آخرین خطبه پیامبر به سه طریق مختلف به دست ما رسیده است که یکی از آنان "کتابی و عترتی" را پیشنهاد میداد و دومی "کتابی و سنتی" و همچنین سومین حدیث "کتابی" را سفارش میکند. در حالی که همه میدانیم یکی از خصوصیات رسول نذیر مبین است. یعنی رسول پیام را واضح و بدون کجی بیان میدارد . به آیه زیر توجه بفرمائید:

[۱۶:۶۴] وما انزلنا علیک الکتب الا لتبین لهم الذی اختلفوا فیه وهدی ورحمة لقوم یؤمنون

[۱۶:۶۴] ما این کتاب آسمانی را بر تو نازل کرده ایم تا هرچه را که در آن اختلاف دارند، برایشان روشن کند و هدایت و رحمتی باشد برای مردمی که ایمان دارند.

همانطور که میبینید وظیفه رسول روشن کردن اختلافات است. اما همه دیدید که آخرین خطبه پیامبر شما را در سه راهی قرار میدهد و در نتیجه نه تنها روشنگر نیست بلکه کاملا گمراه کننده است. همانطور که خیلی ها را گمراه کرده است نتیجتا کتب حدیث نه تنها روشنگر نیست بلکه گمراه کننده است کتب حدیث نه تنها پیام پیامبر نیست بلکه پیام شیطان و تفرقه است.

همانطور که میبینید اختلافات در کتب حدیث به فراوان یافت میشود حالا شما خود قضاوت کنید که آیا پیامی که پر از اختلاف است میتواند از طرف خدا باشد.مگر شما نمیگوئید حدیث هم پیام پیامبر است و اطاعت از آن واجب. پس چرا این همه اختلاف در آن وجود دارد؟ آیا فکر نمیکنید احادیث و روایات مشمول آیه زیر میشوند و از طرف پیامبر نیست بلکه از طرف شیطان است برای تفرقه و گمراهی ما:

[۴:۸۲] افلا یتدبرون القرءان ولو کان من عند غیر الله لوجدوا فیه اختلفا کثیرا
[۴:۸۲] چرا قرآن را با دقت مطالعه نمی کنند؟ اگر از جانب غیر خدا بـود، در آن ضـد و نقیضهای بسیار پیدا می کردند.

۶۲- رسول باید خود پیام خود را اعلام کند

خدای مهربان در جای جای قرآن اعلام میدارد که رسول باید مسئولیت گفته های خـود را برعهده بگیرد و بداند که چه دارد میگوید. حال آنکه راویان قرن دوم و سوم در غیاب پیامبر گفته های زیادی را به او نسبت میدهند و پیامبر هم از این گفته ها بیخبر است و اگر هم خبر داشته باشد در تصحیح آن سخنان کاری از دست او برنمیاید و بـر نیامـده است . معلوم نیست که چرا منبع دوم اسلام باید در غیاب پیامبر بوجود آید؟؟ آیـا ایـن چیزی جز حیله شیطان است؟!!

۶۳- بیعت

عده ای میگویند که اگر پیام پیامبر فقط قرآن است پس چرا یک کتاب از آسمان پایین نیفتاد در آن صورت احتیاجی به پیامبر هم نبود. این عده با سفسطه و مغلطه میخواهند همچنان از راویان حدیث پیروی کنند. هنوز نمیدانند که وجود رسول لازم بود و در واقع بدون رسول کاری از پیش نمیرفت. پیامبر علاوه بر دریافت پیام خدا در قالب یک کتاب میبایست عملا یکتاپرستی را برای قوم خود تبلیغ کند و برآن اصـرار ورزد. بـر همـین منوال خدای مهربان از او میخواهد که با مومنین عهد وفاداری ببندد و تمام این بیعتهـا در زمان زنده بودن پیامبر بوده است. وقتی پیامبر زنده نباشد آیـات زیـر چـه معنـا و مفهومی میتواند داشته باشد؟خدای توانا هر آنچه که از سرگذشت پیامبر را لازم دانسته باشد در قرآن برای ما ذکر کرده است . حتی از بیعت مومنان و مومنـات بـا او بـرای مـا

میگوید و از خیلی چیزهای دیگر. اینها همه اش سرگذشت پیامبر است و به این طریق آنچه که از سرگذشت پیامبر در قرآن آمده است پیامی کامل به همراه دارد و این یعنی کتاب قرآن کامل است .

[۶۰:۱۲] ای پیامبر، هنگامی که زنان باایمان، (که کافران را ترک کردند) از تو تقاضای پناهندگی کنند و با تو عهد کنند که هیچ معبودی در کنار خدا قرار ندهند و دزدی نکنند و مرتکب زنا نشوند و فرزندان خود را نکشند و دروغی از خود نسازند و از دستورات پرهیزکارانه تو سرپیچی نکنند، عهد آنها را بپذیر و از خدا برای آنها طلب بخشش کن، خداست عفوکننده، مهربان ترین.

[۴۸:۱۸] خدا از مؤمنانی که زیر درخت با تو پیمان وفاداری بستند، خوشنود است. او می دانست که در قلبشان چه بود و درنتیجه، به لطف خود، به آنها رضایت خاطر عطا کرد و با یک پیروزی فوری پاداش آنها را داد.

۶۴- جواب دادن به خدا

[۴۲:۴۷] استجیبوا لربکم من قبل ان یاتی یوم لا مرد له من الله ما لکم من ملجا یومئذ وما لکم من نکیر
[۴۲:۴۷] شما باید به پروردگارتان پاسخ دهید، پیش از آنکه روزی بیاید که خدا آن را اجتناب ناپذیر قرار داده است. در آن روز هیچ پناهی و هیچ پشتیبانی برای شما نخواهد بود.

[۴۲:۴۸] فان اعرضوا فما ارسلنک علیهم حفیظا ان علیک الا البلغ وانا اذا اذقنا الانسن منا رحمهٔ فرح بها وان تصبهم سیئهٔ بما قدمت ایدیهم فان الانسن کفور

[۴۲:۴۸] اگر آنها روی برگردانند، ما تو را برای حفاظت آنها نفرستادیم. تنها ماموریت تو رساندن پیام است. هرگاه انسان ها را غرق رحمت کنیم، افتخار می کنند و هرگاه در نتیجه کارهای خودشان به بدبختی گرفتار شوند، کافر می شوند.

همانطور که در آیه بالایی میبینید خدای مهربان میفرماید که به خدایتان جواب دهید و در آیه بعد میفرماید که اگر آنها روی برگرداندند ما تو را برای حفاظت آنها نفرستادیم.

همه میبینید وظیفه رسول در این آیه کاملا مشخص است زیرا ما باید به خدا جواب دهیم ولی در آیه بعد میگوید که تو ای رسول فقط فرستاده اید نه چیز دیگر و وکیل آنها نیستی. پس مشخص شد که جواب به خدا یعنی پذیرفتن سخنان رسول که همان قرآن است.

۶۵- حکمت

عده ای میگویند که احادیث حکمت است که همان سنت پیامبر به حساب میاید. این عده هنوز معنای حکمت را در قرآن نفهمیده اند. هنوز نفهمیده اند که حکمت همان قرآن است. خدا خودش میگوید قرآن حکیم و این یعنی قرآن پر از حکمت. همچنین آیه زیر که نشان میدهد آنچه در خانه های پیامبر تلاوت میشد شامل آیات خدا و حکمت است. تلاوت حکمت دقیقا مربوط به همان قرآن است.

[۳۳:۳۴] واذکرن ما یتلی فی بیوتکن من ءایت الله والحکمۀ ان الله کان لطیفا خبیرا

[۳۳:۳۴] آنچه از آیات خدا در خانه هایتان خوانده می شود و حکمتی را که در آن نهفته است، به خاطر بسپارید. خدا بلندمرتبه است، آگاه.

واقعا اگر دستنوشته های قرن دوم و سوم هجری حکمت باشد من یکــی آن حکمــت را نمیخواهم زیرا خدا چشم و گوش و عقل به من داده است و در مقابل آنان مسئولم و باید جوابگو باشم.

۶۶- مقایسه مؤمنان با کافران

همانطور که میبینید خدای مهربان مومنان را با کافران در آیات زیر مقایسه میکند و در واقع بیان میدارد که آنچه بر پیامبر نازل شده است حق است و غیر از آن نابینایی است.

[۱۳:۱۹] آیا آن که تشخیص می دهد آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است، حقیقت است با آن که نابیناست، یکسان است؟ فقط خردمندان توجه خواهند کرد.

۶۷- خدا چطوری امر میکند؟

[۱۶:۹۰] خدا به عدل، انفاق و توجه به خویشاوندان امر می کند و پلیدی، فساد و تجاوز را نهی می نماید. او به شما پند می دهد، باشد که توجه کنید.

همانطور که ذکر شد بعضی فکر میکنند که اطاعت از رسول و اطاعت از خدا دو چیــز جداگانه است و به این طریق بیان میدارند که اطاعت از خدا یعنی اطاعت از قــرآن و اطاعت از رسول هم به معنای اطاعت از کتب حدیث است. هنوز متوجه نیســتند کــه خدا از طریق رسول کلامش را بیان میدارد . خدا که خودش پایین نیامــده اســت تــا برای ما پیام را بازگو کند.به عنوان مثال خدای مهربان در آیه ۱۶:۹۰ به ما امر میکنــد که نیکی کنید ؛ حال سوالی پیش میاید که خدا چطور امر میکند؟

در واقع این کلام از دهان رسول خارج شده است و از یک طرف پیام رسول هم است و منشاء اصلی پیام هم خدای تواناست.

۶۸- حلال و حرام گفته خداست.

[۱۶:۱۱۶] به زبان خود دروغ نگویید: "این حلال است و آن حرام،" که در این صورت دروغ ساخته اید و آن را به خدا نسبت داده اید. مطمئنا، آنان که دروغ می سازند و آنها را به خدا نسبت می دهند، هرگز موفق نخواهند شد.

حلال و حرام در قرآن گفته خداست و جزو حکم خداست که احدی حق تغییر و زیادکردن و کم کردن آن را ندارد هرچند که به مذاق بعضی ها خوش نیاید.پیامبر این حلال و حرامها را برای ما بیان کرده است در حالی که حتی پیامبر هم از خود این احکام را نمیگفت بلکه از طرف خدا بود به این طریق مشخص است که پیام خدا قرآن است که از طرف رسولش به دست ما میرسد.

۶۹- همه نوع مثل

[۱۸:۵۴] ما هرگونه مثالی در این قرآن آورده ایم، ولی انسان بیش از هر موجودی اهل مجادله است.

خدای مهربان اعلام میدارد که ما از هر نوع مثلی در این قرآن برای مردم گفته ایم. اما پیروان حدیث به این حرف خدا اعتماد ندارند و همچنان میگویند که نه قرآن خیلی چیزها در آن نیست و به این طریق خود را فریب میدهند.وقتی خدا میگوید از

هر نوع مثل و نمونه برای هدایت مردم در این کتاب آورده شده است باید بــه حــرف خدا اعتماد کرد. واقعا اگر ما به حرف خدا اعتماد نکنیم پس به حرف چه کس دیگری اعتماد کنیم.!!

کسی که به حرف خدا اعتماد ندارد چطوری به گفته های راویان قرون اولیــه اعتمــاد دارد!!! من همین جا اعلام میدارم که به کسانی که به حرف خدا اعتماد ندارند اعتماد نکنید.

۷۰- بیان حرف خدا

[۱۶:۴۴] بالبینت والزبر وانزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم ولعلهم یتفکرون

ما به آنها مدرکها و کتابهای آسمانی دادیم. و این پیام را بر تو نازل کردیم تا آنچه را که برای آنها فرستاده شده است به مردم اعلام کنی، شاید که بیندیشند.

بعضی ها فکر میکنند که بیان کردن قرآن در آیه بالایی نشان از این است که آیه هــای قرآن محتاج به معصوم است تا مردم آن را بفهمند. اما این نشان از عدم مطالعه شان در قرآن دارد. آنها فقط تقلید میکنند و بس .آنها فکر میکنند که اصــول کــافی و صــحیح بخاری تشریح کننده قرآنند و بدون آن نمیتوان قرآن را فهمید. اگر این کتابها نگاشــته نمیشد ما باید چه کار میکردیم؟ چرا اینان خود را به کوچه علی چپ میزنند؟

واقعا بیان حرف خدا چه معنی میدهد. "بیان کردن" در قرآن به عنوان "اعلام کــردن و یا عدم کتمان" است. بهتر است که قرآن را بوسیله خود قرآن بفهمیم.

خدای مهربان در آیه زیر در مورد اهل کتاب میفرماید که ای اهل کتاب باید کتاب خــدا را بیان کنی و نباید آن را کتمان کنید و آن را از مردم پنهان نکنید.

[۳:۱۸۷] واذ اخذ الله میثق الذین اوتوا الکتب لتبیننه للناس ولا تکتمونه فنبذوه وراء ظهورهم واشتروا به ثمنا قلیلا فبئس ما یشترون

خدا از کسانی که کتاب آسمانی دریافت کردند، پیمان گرفت که: "شما باید آن را به مردم اعلام کنید و هرگز آن را پنهان نکنید." اما آنها به آن پشت کردند و آن را نادیده گرفتند و به بهایی ناچیز معامله کردند. چه معامله بدی.

وظیفه پیامبر محمد هم همین بود بیان حرف خدا و عدم کتمان آن.

ما این کتاب آسمانی را بر تو نازل کرده ایم تا هرچه را که در آن اختلاف دارند، برایشان روشن کند و هدایت و رحمتی باشد برای مردمی که ایمان دارند.

[۱۶:۸۹] ویوم نبعث فی کل امۀ شهیدا علیهم من انفسهم وجئنا بک شهیدا علی هؤلاء ونزلنا علیک الکتب تبینا لکل شیء وهدی ورحمۀ وبشری للمسلمین

آن روز خواهد آمد که از میان هر جامعه ای شاهدی برمی انگیزیم و تو را به عنوان شاهد این مردم می آوریم. ما این کتاب را بر تو نازل کرده ایم تا همه چیز را توضیح دهد و هدایت و رحمت و مژده ای باشد برای تسلیم شدگان.

عبارت (الکتب تبینا لکل شیء) در آیه بالایی یعنی هر چیزی را در کتاب بیان کرده است.خدای مهربان عمدا میفرماید کتاب بیان کننده هر چیزی است نه کسی دیگر .این یعنی خود قرآن همه چیز را بیان کرده است. و احتیاجی به بیان اضافی نیست.فقط فکر میخواهد.خدای مهربان از تقلید و جمودیت فکر خوشش نمیاید. او میخواهد ما خودمان فکرمان را به کار بیندازیم و قرآن را بفهمیم.

آیات زیر نشان از این دارد که حرف خدا کامل است و احتیاجی به علمای احادیث ندارد.

الکتاب المستبین (کتاب عمیق و بیان کننده) ۳۷:۱۱۷

هذا بیان للناس (این توضیح است برای مردم) ۳:۱۳۸

علمه البیان (به او بیان آموخت) ۴:۵۵

ان علینا بیانه (تفسیر و بیان قرآن برعهده ماست یعنی در همان قرآن اســت فقــط تدبر میخواهد) ۱۹:۷۵

تبیانا لکل شی (تفسیری است برای هرچیزی) ۱۶:۸۹

الکتاب مفصلا (کتابی است با جزئیات کامل) ۶:۱۱۴

احسن تفسیرا (بهترین تفسیر) ۲۵:۳۲ و ۲۵:۳۳

۷۱- اینها حرف کیست ؟

آیه ۱۷:۳۱ تا ۱۷:۳۹ را نگاه بفرمائید. همانطور که میبینید خدا در این آیات دســتورات و احکامی را بیان میدارد و در ادامه میفرماید :

[۱۷:۳۹] ذلک مما اوحی الیک ربک من الحکمهٔ ولا تجعل مع الله الها ءاخر فتلقی فی جهنم ملوما مدحورا
[۱۷:۳۹] این بخشی از حکمتی است که پروردگارت بر تو وحی کرده است. خدای دیگری در کنار خدا قرار نده، مبادا که عاقبت به جهنم افتی، نکوهیده و شکست خورده.

همانطور که میبینید خدا به پیامبر دستور میدهد که :(این بخشی از حکمتی است که پروردگارت بر تو وحی کرده است. خدای دیگری در کنار خدا قرار نده.) و این چیز جالبی است زیرا خدا پیامبر را از اختراع دستورات و حکمتها میترساند کسی که منبع دیگری در کنار قرآن درست کند به معنای قرار دادن خدایی در کنار خدای یکتاست.پیامبر هم میبایست طبق قرآن به مردم امر میکرد :

[۱۵:۹۴] فاصدع بما تؤمر واعرض عن المشرکین
[۱۵:۹۴] بنابراین، دستوراتی را که به تو داده شده است، اجرا کن و به مشرکان (کسانی که منابعی دیگر در کنار قرآن دارند) اعتنا نکن.

۷۲- سوال اساسی

شما فرض کنید که حرف پیروان حدیث درست باشد و دو منبع (قرآن و حدیث) برای اسلام داشته باشیم. حال آیا نباید پیامبر خود احکام را ابلاغ کند؟ اگر قرار است که طریقه دستشویی رفتن و غذا خوردن پیامبر برای ما الگو باشد. پس چرا پیامبر اعلام نکرد که طریقه دسشویی رفتن باید اینجوری باشد ؟ مگر قرار نیست پیامبر نذیر مبین باشد و به روشنی و وضوح پیام خود را اعلام کند. پس چرا در این گونه موارد پیام خود

را ابلاغ نکرد. همانطور که میبینید پیروان کتب حدیث خود پیام پیامبر را ابلاغ میکنند و از طرف پیامبر احکام اختراع میکنند و این دقیقا همان شرک است.

۷۳- پیامبر امر میکند

تمام دنیا میدانند که یکی از اولین توصیه های پیامبران امر به انفاق و توجه به خویشاوندان است حال شما آیه زیر را توجه بفرمائید :

[۱۶:۹۰] ان الله یامر بالعدل والاحسن وایتائ ذی القربی وینهی عن الفحشاء والمنکر والبغی یعظکم لعلکم تذکرون
[۱۶:۹۰] خدا به عدل، انفاق و توجه به خویشاوندان امر می کند و پلیدی، فساد و تجاوز را نهی می نماید. او به شما پند می دهد، باشد که توجه کنید.

سوالی که پیش میاید این است که در آیه خدا امر میکند اما همه میدانیم که این توصیه ها را پیامبر به مردم میگفت . خدا به عدل، انفاق و توجه به خویشاوندان امر می کند و پیامبر هم همین کارها را میکرد و همینها را برای مردم تکرار مینمود.حال با توجه به این آیا پیامبر منبعی به جز قرآن در اختیار داشته است ؟

۷۴- یک نفر خارجی یادش میدهد!

شما اگر باور ندارید که پیامبر قرآن را به مردم میگفت به آیه زیر توجه کنید:

[۱۶:۱۰۳] ولقد نعلم انهم یقولون انما یعلمه بشر لسان الذی یلحدون الیه اعجمی وهذا لسان عربی مبین

[۱۶:۱۰۳] ما خوب می دانیم که آنها می گویند: "بشری به او تعلیم می دهد!" زبان آن مرجعی که آنها به آن اشاره می کنند، غیر عربی است و این به زبان عربی کامل است.

همانطور که میبینید مشرکین میگفتند بشری به پیامبر اینها را تعلیم می دهد و جای سوال است که مشرکین آیا منظورشان حدیث بوده است یا قرآن؟ آیا پیامبر حدیث را از خارجی ها یاد میگرفت یا قرآن؟ با این وصف واضح است که پیام پیامبر قرآن بوده است و قرآن هم از طرف خداست و پیامبر در این میان مبلغ است و مطمئنا پیامبر باید مسئولیت گفته های خویش را بر عهده گیرد و برای به تحقق رساندن آن ایده ها باید عملا پا شود و در آنراه مجاهدت به خرج دهد. خدای مهربان هم هر آنچه از مجاهدتهاو تلاشهای پیامبر که لازم بوده باشد در قرآن آورده است و غیر از آن سالم بدست ما نرسیده است و همه اش احتمالات است و عمل به آن نتیجه ای در بر دارد که که اکنون در میان پیروان حدیث میبینیم.

۷۵- تمام مثالها

خدای مهربان اعلام میدارد که " کافرانند که نمی پذیرند قرآن کامل است"

[۱۸:۵۴] ولقد صرفنا فی هذا القرءان للناس من کل مثل وکان الانسن اکثر شیء جدلا
[۱۸:۵۴] ما هرگونه مثالی در این قرآن آورده ایم، ولی انسان بیش از هر موجودی اهل مجادله است.

خدای قادر توانا در آیه ۱۸:۵۴ اعلام میدارد که در این قرآن هر گونه مثالی آورده شده است و احتیاجی به حدیث و سنت نیست. آیا آیه ۱۸:۵۴ آنقدر مبهم است که مفهومش را نمیفهمید؟! آیا خدا در آیه بالایی نعوذ بالله اشتباه کرده است که گفته ما در این قرآن

از هرگونه (توجه شود گفته هرگونه) مثلی استفاده کرده ایم. آیا شما به این آیه ایمان دارید یا نه؟!

با یکی از دوستانم بحث میکردم . زمانی که این آیه را برایش گفتم فورا گفت: نه قرآن هر مثلی در آن نیست زیرا شما اگر راست میگویی مثل "شتر در خواب بیند پنبه دانه گه لپ لپ خورد گه دانه دانه" را در قرآن پیدا کنید؟!!

همانطور که میبینید پیروان روایات و دستنوشته های قرون اولیه به حرف خدا اعتماد ندارند و برای رد کردن حرف خدا به استدلالهای بنی اسرائیلی روی میاورند و خنده دار حرف میزنند.شما چند لحظه وجدانت را قاضی کن و آیه زیر را بخوان. آیا آوردن آیه ای در حد آیه زیر نشان نمیدهد که کتاب قرن کامل است و هر آن چه که برای هدایت لازم است را داراست؟!

[۲۴:۵۸] ای کسانی که ایمان آورده اید، خدمتکاران شما و فرزندانی که هنوز بالغ نشده اند، باید (پیش از ورود به اتاق شما) اجازه بگیرند. این عمل در سه موقع باید انجام شود- پیش از نماز فجر، هنگام ظهر که لباس خود را برای استراحت عوض می کنید و پس از نماز عشا. این سه نوبت، اوقات خصوصی شماست. در ساعات دیگر، هیچ گناهی بر شما یا بر آنها نیست که با هم باشید. خدا، این چنین آیات را برای شما روشن می کند. خداست دانای مطلق، حکیمترین.

۷۶- هر کس چیزی میگوید

همانطور که میدانید در سوره کهف خدای مهربان به چند مورد جالب اشاره دارد یکی از آن نکات آیه زیر است:

[۱۸:۲۲] سیقولون ثلثهٔ رابعهم کلبهم ویقولون خمسهٔ سادسهم کلبهم رجما بالغیب ویقولون سبعهٔ وثامنهم کلبهم قل ربی اعلم بعدتهم ما یعلمهم الا قلیل فلا تمار فیهم الا مراء ظهرا ولا تستفت فیهم منهم احدا

[۱۸:۲۲] بعضی می گویند: "آنها سه نفر بودند؛ سگشان چهارمین بود،" در حالی که برخی دیگر می گویند: "پنچ نفر؛ ششمین آنها سگشان بود،" در حالی که حدس می زدند. بعضی گفتند: "هفت نفر" و هشتمین سگشان بود. بگو: "پروردگار من به تعداد آنها داناتر است." فقط عده کمی تعداد صحیح را می دانستند. بنابراین، با آنها مجادله نکن؛ فقط با آنها مدارا کن. احتیاجی نیست با کسی در این باره مشورت کنی.

گروه اول می گویند : "آنها سه نفر بودند؛ سگشان چهارمین بود،"
گروه دوم می گویند : "پنچ نفر؛ ششمین آنها سگشان بود،"
گروه سوم می گویند : "هفت نفر" و هشتمین سگشان بود.
و ...

در ادامه خدا میفرماید اینها همه اش حدس و گمان است. بنابراین، با آنها مجادله نکن؛ فقط با آنها مدارا کن. احتیاجی نیست با کسی در این باره مشورت کنی.

آخرین خطبه پیامبر به سه صورت مختلف نقل شده است :

گروه اول : کتابی و عترتی
گروه دوم : کتابی و سنتی
گروه سوم : کتابی

حال شما تصور کنید آخرین خطبه پیامبر چرا باید به سه صورت مختلف نقل شود مگر نعوذ بالله پیامبر ضد و نقیض حرف میزده است.!!؟مگر پیامبر نباید پیامش را روشن ابلاغ

دارد؟ بر طبق آیه ۱۸:۲۲ نباید به پیروان حدیث و سنت اعتماد کرد . زیرا اینان از شک و گمان پیروی میکنند. اینان فقط حدیث میزنند . فقط به تعصبات مادرزادی خود خو گرفته اند. کسی که خود را مسلمان میداند نباید و احتیاجی نیست با کتب حدیث دین خود را روشن نماید.

۷۷- آیا واقعا آیات قرآن گمراه کننده است؟

قرآن کتابی است آسمانی جهت هدایت بشر. فطرت خداپرستی در همه ما جاسازی شده است. خدای مهربان با ارسال رسولان و کتب آسمانی مارا به راه راست راهنمایی میکند.

خدای بزرگ از زمانی که بشر به علم کتابت دست یافت از طریق کتاب آسمانی مارا به راهش رهنمود میشد. بطوریکه کتاب آسمانی همیشه به عنوان محور و عروة الوثقی ذکر شده است.یهودیان زمان محمد به خاطر کتمان تورات سرزنش میشوند. یهودیان زمان محمد به خاطر عمل نکردن به تورات سرزنش میشوند. آنها تا زمان محمد رسولی نداشتند و باید در این مدت طبق تورات عمل میکردند.

بعضی ها فکر میکنند که قرآن گمراه کننده است و کسی دیگر باید باشد تا نگذارد که مردم گمراهیها را از قرآن بگیرند.

بعضی میگویند که تعدادی از آیات قرآن متشابه و تعدادی محکم است پس باید معصومی باشد تا که متشابهات را معنی کند و نگذارد که مردم از طریق متشابهات گمراه شوند. آنها فکر میکنند که خدا در قرآن عمدا آیات را طوری گفته است که مردم را گمراه کند و به همین خاطر معصومینی فرستاده است تا که راه از چاه را برای مردم بنمایانند.

آنها میگویند که خدا خودش گفته است که " یضل به کثیرا ویهدی به کثیرا" و این نشان میدهد که قرآن هم گمراه میکند و هم هدایت.

جواب شبهه فوق :

آنها اشتباهشان خیلی ساده است. بطوریکه نمیدانند خداست که گمراه میکند نه قرآن! آنها حتی مقصود از نزول کتاب آسمانی را نمیدانند. خدای مهربان در ۲:۱۰ میفماید:

[۲:۱۰] فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا ولهم عذاب الیم بما کانوا یکذبون

[۲:۱۰] در افکارشان مرضی است. درنتیجه، خدا بر مرضشان می افزاید. آنها به خاطر دروغ هایشان سزاوار مجازاتی دردناک شده اند.

خدای مهربان در این آیه میفرماید که در قلبهای کافران مرض است و خدا هم بر مرض آنان می افزاید. زیرا که آنها خود شایستگی چنین افزایش گمراهیی را دارند.

خدا در ۷:۱۴۶ میفرماید که :

[۷:۱۴۶] ساصرف عن ءایتی الذین یتکبرون فی الارض بغیر الحق وان یروا کل ءایۀ لا یؤمنوا بها وان یروا سبیل الرشد لا یتخذوه سبیلا وان یروا سبیل الغی یتخذوه سبیلا ذلک بانهم کذبوا بءایتنا وکانوا عنها غفلین

[۷:۱۴۶] من کسانی را که در زمین به ناحق تکبر می ورزند، از آیات خود منحرف خواهم کرد. درنتیجه، هرگونه مدرکی ببینند، ایمان نخواهند آورد. و هرگاه راه هدایت را ببینند، آن را به عنوان راه خود نخواهند پذیرفت، اما هرگاه مسیر گمراهی را ببینند، آن

را راه خود قرار خواهند داد. این نتیجه آن است که آنها مدارک ما را تکذیب می کنند و کاملا به آنها بی اعتنا هستند.

مداخله الهی کافران را در تاریکی نگاه می دارد

خدا میفرماید که من قدرت فهم آیاتم را از کسانی که در زمین به ناحق تکبر میورزند میگیرم. خدای مهربان در ادامه آیه میفرماید که اگر آنها هر آیه ای و هر مدرکی هم ببینند باز هم ایمان نمی آورند و نمیتوانند بیاورند و اگر راه راست را هم تشخیص دهند باز هم به راه راست بر نمیگردند و اگر راه گمراهی را ببینند آن راه را سرنوشت خود قرار خواهند داد.

در ادامه میفرماید و این به آن علت است که آنان آیات مارا دروغ فرض کرده اند. کسانی که مشمول آیه بالا شوند دیگر با آنها کاری نمیتوان کرد. از محمد و هزار امام هم کاری بر نمیاید. اگر تمام پروفسور های علوم قرآنی را هم بیاورید راه راست را نمیتوانند به او نشان دهند.

در حقیقت خدای بزرگ به خاطر دروغ بستن عمدی به آیاتش آنها را گمراه کرده است نه به خاطر کج فهمیدن ایات قرآن و یا ندانستن محکمات و متشابهات.

چنین کسی دیگر بوسیله محمد رسول خدا هم به راه راست برنمیگردد. تمام قرآن را هم برای او از اول تا آخر بخوانی دیگر فایده ای ندارد.

[۲:۲۷۲] لیس علیک هدهم ولکن الله یهدی من یشاء وما تنفقوا من خیر فلانفسکم وما تنفقون الا ابتغاء وجه الله وما تنفقوا من خیر یوف الیکم وانتم لا تظلمون

[۲:۲۷۲] تو مسئول هدایت هیچ کس نیستی. فقــط خداســت کــه هــر کــه را بخواهــد (هدایت شود) هدایت می کند. هرچه انفاق کنید به نفع خود کرده اید. هر انفاقی که می کنید باید به خاطر خدا باشد. هرچه انفاق کنید، بدون کوچک ترین بی عدالتی بــه شــما بازگردانده خواهد شد.

خدای مهربان در ۱۷:۸۲ میفرماید که قرآن برای مؤمنان رحمــت وشفاســت. در عــوض کسانی که ظالمند از فهم قرآن عاجز میشوند. و این به خاطر ظلمشان است نه به خــاطر ندانستن عربی و یا مشکل بودن آیات قرآن و یا نبــودن یــک پروفســور قرآنــی بــالای سرشان.

[۱۷:۸۲] ما در قرآن برای مؤمنان شفا و رحمت فرو می فرستیم. در حالی که، آن جز بر شرارت ستمکاران نمی افزاید.

خدای مهربان حتی با یک پشه هم کافران را افشا میکند.

[۲:۲۶] ان الله لا یستحی ان یضرب مثلا ما بعوضۀ فما فوقها فاما الذین ءامنوا فیعلمــون انه الحق من ربهم واما الذین کفروا فیقولون ماذا اراد الله بهذا مثلا یضل به کثیرا ویهــدی به کثیرا وما یضل به الا الفسقین

[۲:۲۶] خدا از آوردن هیچ گونه مثالی* ابا ندارد، از پشه ای ریز گرفته تا بزرگ تر و اما کسانی که ایمان دارند، می دانند که این حقیقتی اســت از جانــب پروردگارشــان. و امــا کسانی که ایمان ندارند، می گویند: "خدا از چنین مثلی چه منظوری داشت؟" او بــدین وسیله بسیاری را گمراه و بسیاری را هدایت می کند. ولی او هرگز گمراه نمی کند به جز ستمکارانی را،

خدا در ۲:۲۶ میگوید که خدا از مثل زدن یک پشه ابا ندارد. اما کسانی که قلبشان مریض است میگویند که خدا از این مثل چه منظوری داشت ما که نمیفهمیم. این افراد همه چیز برایشان سوال میشود. خدا آنها را از فهمیدن قرآن ممنوع کرده است. قرآن برای فهمیدن مشکل نیست بلکه خدای مهربان پرده ای بین آنها و قرآن قرار میدهد تا که آنها قرآن را نفهمند. این به این معنا نیست که قرآن مشکل است و باعث گمراهی آنان شده است. بلکه آنها خود گمراه بودند و خدا هم گمراهترشان میکند.

[۷:۱۸۶] من یضلل الله فلا هادی له ویذرهم فی طغینهم یعمهون

[۷:۱۸۶] هر که را خدا به گمراهی محکوم کند، هیچ کس راهی برای هدایتش نمی یابد. او آنان را سرگردان در گناهانشان رها می کند.

کسی را که خدا گمراه کند دیگر کسی نمیتواند برای او کاری کند. حالا هر کسی میخواهد باشد.

خدا صراحتا اعلام میدارد که کلمات قرآن گمراه کننده نیست.

[۳۹:۲۸] قرءانا عربیا غیر ذی عوج لعلهم یتقون
[۳۹:۲۸] قرآنی به عربی، بدون هیچ ابهام، باشد که پرهیزکار شوند.

خدای مهربان میفرماید که کینه و عداوت بین یهود تا قیامت وجود دارد و این به علت کارهای خودشان است.

[۵:۶۴] وقالت الیهود ید الله مغلولۀ غلت ایدیهم ولعنوا بما قالوا بل یداه مبسوطتان ینفق کیف یشاء ولیزیدن کثیرا منهم ما انزل الیک من ربک طغینا وکفرا والقینا بینهم

العدوة والبغضاء الی يوم القيمة كلما اوقدوا نارا للحرب اطفاها الله ويسعون فی الارض فسادا والله لا يحب المفسدين

[۵:۶۴] يهوديان حتی گفتند: "دست خدا بسته است!" اين دست های آنهاست كه بسته است. آنها به سبب چنين كفری كه بر زبان آوردند، لعنت شدند. بلكه، دست های او كاملا باز است. او هر طور كه بخواهد، می بخشد. يقينا، آنچه پروردگارت بر تو نازل كرده است، باعث خواهد شد تا آنها در ستمكاری و كفری عميق تر فرو روند. درنتيجه، ما آنها را تا روز رستاخيز به عداوت و نفرت در ميان خودشان گرفتار كرديم. هرگاه آتش جنگی بيفروزند، خدا آن را فرو می نشاند. آنها در زمين به فساد می گردند و خدا پليدكاران را دوست ندارد.

اهل كتاب حقيقت را ميدانستند و عمل نميكردند. در نتيجه خدا بر كفرشان افزود.

[۵:۶۸] بگو: "ای اهل كتاب، شما هيچ پايه و اساسی نداريد، مگر آنكه از تورات و انجيل و از آنچه در اين از جانب پروردگارتان بر شما فرستاده شده است، حمايت كنيد." مطمئنا، آنچه از جانب پروردگارت نازل شده است، باعث خواهد شد كه بسياری از آنها در ستم و كفری عميق تر فرو روند. بنابراين، برای مردم كافر متاسف نباش.

حتی خدای بزرگ بوسيله رسولان الهی هم كافران را افشا ميكند.

زمانی كه صالح پيامبر شد مردمش اورا مسخره ميكردند و ميگفتند كه چرا صالح مثل ما راه ميرود و مثل ما غذا ميخورد. و به اين طريق خدای مهربان بر گمراهی آنان می افزود.

انسان خودش آزمايش شرک را انتخاب كرد.

[۷۶:۳] ما هر دو راه را به او نشان دادیم، سپس، او یا سپاسگزار است یا ناسپاس.

[۳۳:۷۲] ما بار مسئولیت (آزادی انتخاب) را به آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کـرده ایم، اما آنها بار این مسئولیت را نپذیرفتند و از آن ترسیدند. ولی انسان آن را پـذیرفت؛ او ستمکار بود، نادان.*

قرآن چه عربی باشد و چه عربی نباشد برای کسانی که دلشان پاک است و واقعا دنبـال هدایتند شفاست اصلا مساله عربی نیست. مساله زبان مطرح نیست. کسی ممکن اسـت عالم در عربی باشد (کم هم نیستند) اما بت پرست باشد.کسی هم ممکن است یک کلمه عربی نداند ولی با ایمان باشد. گمراهی ربطی به نحوه زبـان و یـا مشـکل بـودن قـرآن ندارد.بلکه به دل ربط دارد. و خداست که گمراه میکند نه قرآن.

کسانی که دلشان پاک است خدای مهربان فهمیدن قرآن را برایشان ساده میکند. امـا کسانی که قلبشان مریض است (حتی اگر پروفسور ! علوم قرآنـی باشـند) از فهمیـدن قرآن عاجز هستند. و منظور قرآن را طبق ایده خود مینمایانند. این نفهمیدن به خـاطر مشکل بودن قرآن نیست بلکه خودشان مشکل دارند. و خدای مهربان به این طریق بـر گمراهی آنان می افزاید.مثال این افراد در زمانه ما کم نیستند. کسانی هستند که قـرآن میخوانند اما هنوز از مقدسین خود طلب کمک میکنند.

[۴۱:۴۴] اگر آن را قرآنی غیرعربی قرار می دادیم، می گفتند: "چرا به آن زبـان نـازل شد؟" چه به زبان عربی باشد یا غیرعربی، بگو: "برای کسانی کـه ایمـان مـی آورنـد، هدایت و شفاست. و اما کسانی که ایمان نمی آورند، نسبت به آن کر و کور خواهند بـود، گویی از مکانی دوردست ندایشان می دهند."

مداخله الهی است که گمراه میکند.

[۱۸:۵۷] چه کسانی پلیدتر از آنان که مدرک پروردگارشان بــه آنــان یــادآوری شــود، سپس بی آنکه بفهمند چه می کنند، آنها را نادیده بگیرند. درنتیجه، ما بر قلب هایشــان پرده می نهیم و بر گوش هایشان کری تا آنها را از فهمیدن آن (قرآن) بازدارد. بنــابراین، هر کاری برای هدایتشان انجام دهی، آنها هرگز نمی توانند هدایت شوند.

کافران از فهم قرآن عاجزند و گوشهایشان کر است . کسی کــه گوشــش کــر اســت چطوری او را میتوان متوجه کرد. آیا اینجا مشکل متشابه و محکم است؟

[۱۷:۴۵] هنگامی که قرآن می خوانی، ما میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارنــد، حجابی نامرئی قرار می دهیم.

[۱۷:۴۶] ما بر افکارشان پوشش می نهیم و بر گوش هایشان کری تا نفهمند. و هنگامی که فقط از روی قرآن* درباره پروردگارت موعظه می کنی، آنها با بیزاری می گریزند.

آن عرب ساده بیابانی به محمد ایمان آورد. در حالی که کل قرآن هم نازل نشــده بــود و حرفی هم از صرف و نحو عربی نبود و از محکمات و متشابهات هم نپرسید.ممکن اســت کسی فقط یک آیه از قرآن را بشنود و ایمان بیاورد و ممکن است کسی تمام عمر خــود را روی قرآن صرف کند ولی هنوز ایمان نیاورده باشد . گمراهی واقعــی ایــن اســت.خدا کسی را گمراه کند دیگر از هیچ کسی کاری بر نمیاید.اما اگر خدا بخواهد کســی ایمــان بیاورد تمام آیات قرآنی (محکم و متشابه) برای او آیت میشود.تمام آیات قرآنی بــرای او نشانه ای از طرف خدایند. از محکم و متشابه نمیپرسد. به همه اش ایمان میاورد.و آیاتی را که متشابهند در حد راسخیت در علمش میفهمد .خدای مهربان در دین سختی قــرار نداده است.

[۲:۲۸۶] لا یکلف الله نفسا الا وسعها لها ما کسبت وعلیها ما اکتسبت ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطانا ربنا ولا تحمل علینا اصرا کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولنا فانصرنا علی القوم الکفرین

[۲:۲۸۶] خدا هرگز نفسی را بیش از توانایی اش تکلیف نمی کند؛ هرچه خوبی کسب کند به نفع اوست و هرچه بدی کسب کند علیه اوست. "پروردگار ما، اگر فراموش می کنیم و یا مرتکب خطا می شویم، ما را محکوم نکن. پروردگارا، ما را از هر گونه کفری علیه خودت حفظ فرما، تا مانند کسانی که پیش از ما کفر ورزیدند، نباشیم. پروردگارا، ما را از ارتکاب به گناه پیش از آنکه برای توبه کردن دیر شود، در امان بدار. از ما درگذر و ما را ببخش. تویی مولا و سرور ما. ما را بر مردم کافر پیروز گردان."

خدای مهربان میفرماید که کلمه خوب همانند درخت خوبی است که ریشه آن محکم و ثابت است. و شاخه های آن سر به آسمان کشیده است. اما کلمه بد همانند درخت بدی است که از سطح خاک قطع شده است و ریشه ای ندارد که آن را برجای نگه دارد.

[۱۴:۲۶] ومثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار

[۱۴:۲۶] و مثال کلمه بد همانند درخت بدی است که از سطح خاک قطع شده است؛ ریشه ای ندارد که آن را بر جای نگاه دارد.

[۱۴:۲۴] الم تر کیف ضرب الله مثلا کلمة طیبة کشجرة طیبة اصلها ثابت وفرعها فی السماء

[۱۴:۲۴] آیا نمی بینی که خدا کلمه خوب را همانند درخت خوب مثال زده است که ریشه آن محکم و ثابت و شاخه های آن سر به آسمان کشیده است؟

تنها گناه غیر قابل بخشش شرک است.هنوز ۵ آیه از قرآن نازل نشده بود که محمد بـه خداپرستی دعوت میکرد. خداپرستی همان کلمه طیبه است. بیش از دوسوم قرآن راجع به قرارندادن شریک برای خداست. این قسمت از قرآن همان محکمات قرآن است . این قسمت همان ریشه درخت است . کسی که این را رعایت کند مثل یـک درخـت خـوب ریشه اش محکم است و خدا اورا گمراه نمیکند.و در حد فهـم خـود متشـابهات را هـم میفهمد.اما کسی که این قسمت از قرآن را متشابه فرض کرده مثل درخت بدی است که خدا اورا گمراه کرده است. یا این فرد دیگر کاری نمیتوان کرد. فقـط خـدا میتوانـد اورا هدایت کند.

